

- ۱- سیاست‌های آمریکا در غرب آسیا
- ۲- مسائل داخلی رژیم صهیونیستی و مسائل داخلی آمریکا
- ۳- محور مقاومت، حوزه خلیج فارس، اروپا، قفقاز و آسیای میانه
- ۴- موضوعات مربوط به سیاست داخلی و خارجی ایران، برجام، اعتراضات مردمی و رهبری
- ۵- تئوری‌های منتشر شده از سوی فعالان و مقام‌های سیاسی جهان



ترامپ با ایران توافق می‌کند؟

یکی از انتقادات اصلی او این بود که آمریکا برخلاف دیگر طرف‌های توافق نمی‌توانست از آن سود مالی ببرد که البته به دلیل «دیوار تحریمی» خود تحمیلی آمریکا علیه ایران است. زمانی که ترامپ به این وعده عمل کرد و در سال ۲۰۱۸ از برجام خارج شد، رویکردی که مخالفان جمهوری خواه او تایید کرده بودند اما احتمالاً عملاً اجرایی کردند، بذرفاجعه کاشته شد. احاطه کردن ترامپ با جنگ طلبان و نئومحافظه کاران کمکی نکرد. او به همان تأثیرات سیاسی اجازه داد که توانایی او با ما را برای لغو تحریم‌ها محدود می‌کرد تا آمریکا بتواند از توافق هسته‌ای اصلی منتفع شود.

ادامه در صفحه ۵

جلوگیری از چنین دیپلماسی شدید خواهد بود. به‌رغم شهرت تندرو و اقدامات او در اعمال تحریم‌های «فشار حداکثری»، تبادل حملات و تهدید به انفجار اماکن فرهنگی ایران و پاره کردن توافق برجام سال ۲۰۱۵ ایران، ترامپ اغلب از خطمشی نظامی جمهوری خواهان در قبال ایران دورتر بوده است. در سال ۲۰۱۵، زمانی که نامزدهایی که برای نامزدی جمهوری خواه رقابت می‌کردند برای محکوم کردن و متعهد شدن به پاره کردن توافق با ایران که توسط دولت او با ما مورد مذاکره قرار گرفت، از سر خود افتادند، ترامپ گفت که این توافق را پاره نمی‌کند، بلکه با ادعای مخالفتش آن را به شدت اجرایی کند. زمانی که او در نهایت وعده پاره کردن آن را داد،

کوئینسی جمال عبدی |

شاید دونالد ترامپ در دوره دوم ریاست جمهوری خود واقعاً یک رئیس جمهور ضد جنگ باشد. گزارش‌ها حاکی از آن است که ایلان ماسک، مشاور ترامپ، دیدار با مقامات ایرانی با هدف تنش‌زدایی می‌تواند نشانه‌ای از این باشد که رئیس جمهور سابق و آینده ممکن است واقعاً نئومحافظه کاران و مداخله‌گرانی را که تلاش‌های جمهوری خواهان و دموکرات‌ها برای تعامل با ایران را انجام داده‌اند و آمریکا را درگیر کرده نگه داشته‌اند، شکست دهد. درگیری در غرب آسیا برای یک نسل با این حال، تلاش برای

۱۳

تحرکات ژئوپلیتیک
عربستان

۱۰

تأثیر جنگ او کرین بر
آسیای میانه

۳

تناقض در بازدارندگی
اسرائیل

دورنمای روابط پیش روی ترامپ با اسرائیل



میراث سیاست خارجی بایدن یک دوره مشکل ساز

نشانی اینترست

رابطت منینگ / متیو باروزا

با نزدیک شدن به پایان دوره تصدی خود، دولت‌های آمریکا اغلب «دوران پیروزی» را طی می‌کنند، دستاوردهای خود را به رخ می‌کشند و به دنبال تعریف میراث خود هستند. شرایط دشوار امروز جهان را شاهد هستیم. بلینکن دستاوردهای سیاست خارجی دولت بایدن را به عنوان «استراتژی تجدید»، «تعریف عصر جدیدی در امور بین الملل» می‌خواند.

خروج نایب‌امان از افغانستان در ماه آگوست سال ۲۰۲۱ ضربه‌ای به اعتبار آمریکا بود. امروز، جهان در وضعیت چندبحرانی قرار دارد. به نظر می‌رسد معیار بلینکن برای سنجش موفقیت آمریکا در صحنه جهانی، دستاوردهای جدیدی در ایجاد شبکه‌های امنیتی و فناوری قوی تر با شرکا و متحدان آمریکا در اروپا و آسیا باشد. او در این امر موفق بوده است، حتی اگر این دستاوردها ناپایدار باشند. اما بلینکن می‌نویسد، آنچه استراتژی آمریکا را هدایت می‌کند، «رقابت شدید» برای «تعریف عصر جدید» است. رقبا گروهی از بازیگران همسوس هستند: چین، روسیه، ایران و کره شمالی که «مصمم به تغییر اصول اساسی نظام بین الملل هستند».

روسیه و نه چین به این زودی‌ها از بین نخواهند رفت.

روابط مسموم با چین و لغو استراتژیک و اقتصادی روسیه نوید خوبی برای تعادل پایدار نیست.

در غرب آسیا، واشنگتن هم نقش آتش افروز و هم نجات‌دهنده را بازی می‌کند، بمب‌ها را در اختیار اسرائیل قرار می‌دهد و سپس به شدت به دنبال ارائه کمک‌های بشردوستانه به قربانیان حملات اسرائیل است. دیپلماسی مستمر و جنون آمیز آمریکا شاید منجر به آتش‌بس در غزه و لبنان و آرامشی موقت شود، اما صلح همچنان گریزان است.

اتحادیه اروپا در بدبینی خود نسبت به سوداگری تهاجمی چین و چالش‌های استراتژیک به آمریکا نزدیک شده است. با این حال، بیشتر به دلیل حمایت چین از روسیه در تهاجم این کشور به اوکراین بوده است تا تحقیر آمریکا.

طولانی شدن صف جنوب جهانی برای پیوستن به بریکس، نشان‌دهنده جستجوی دنیای پس‌آمریکایی است.

t.ly/gLekR

سورینس
میراث سیاست خارجی آمریکا

روزنامه

الحاق به مدت چهار سال تغییر داد. اسرائیل صلح را به جای قلمرو انتخاب کرد، توافقی تاریخی را امضا کرد که توسط دولت ترامپ انجام شد و از آن زمان به قول خود عمل کرده است. آن چهار سال دو ماه پیش تمام شد. اکنون، با وجود یک ائتلاف راست‌گرای افراطی در قدرت، نتایج ممکن است انتخاب مجدد ترامپ را فرصتی برای تکمیل کاری که در سال ۲۰۲۰ آغاز کرده است، بدانند، همان طور که انتصاب اخیر او به عنوان یک حامی پر سر و صدا به عنوان سفیر در واشنگتن نشان می‌دهد.

الحاق حتی بخشی از کرانه باختری گامی دراماتیک است که پایانی رسمی به سیاست اسرائیل پس از سال ۱۹۶۷ در به تصویر کشیدن این سرزمین به عنوان ابزاری بالقوه در مذاکرات صلح خواهد بود، موضعی که اسرائیل حتی در زمانی که شهرک‌سازی‌های یهودی را تشویق می‌کرد، حفظ کرد. صرف نظر از نگرش به عدالت ادعای اسرائیل درباره یهودیه و سامه تاریخی، واضح است که تصمیم برای ترسیم مجدد مرزهای اسرائیل در خارج از توافق دیپلماتیک با فلسطینی‌ها باعث تمیق نقض بین اسرائیل و شرکای عرب آن در معاهده، بین اسرائیل و بسیاری از دموکراسی‌های غربی خواهد شد.

<https://B2n.ir/m26107>

شکوفایی همکاری نظامی اعراب و اسرائیل در دوران دولت بایدن هموار کرد. تلاش مشترک اسرائیل، کشورهای عربی و شرکای اروپایی برای مقابله با حمله موشکی و پهپادی بی‌سابقه ایران در روز ۱۳ آوریل به کشور یهود نمونه بارز آن بود؛ اما عاملی که این همکاری را با هم نشان می‌داد، تعامل نظامی فعال آمریکا بود، از جمله استقرار دارایی‌های هوایی و دریایی قابل توجه آمریکا در غرب آسیا.

برخی از مشاوران ترامپ مخالف این نوع عملیات نظامی آمریکا هستند، یا به این دلیل که از شیب لغزنده به سمت جنگ غرب آسیا می‌ترسند، یا به این دلیل که چنین استقرارهایی تمرکز را از وظیفه مهم‌تر مقابله با تجاوز چین منحرف می‌کند؛ اما بدون پیشروی آمریکا، اعراب و اسرائیل ممکن است آماده همکاری آشکار با یکدیگر نباشند. پیمان آبراهام بزرگ‌ترین دستاورد دیپلماتیک دوره اول ترامپ بود و گسترش آن‌ها احتمالاً یکی از اهداف کلیدی دوره دوم او خواهد بود. لازم به یادآوری است که چگونه پیشرفت اولیه به وجود آمد.

در بهار سال ۲۰۲۰، زمانی که بنیامین نتانیاها، نخست‌وزیر اسرائیل تهدید به الحاق بخش‌های عمده کرانه باختری کرد، امارات محاسبات خود را با شرطی کردن پیشنهاد توافق برای صلح و عادی‌سازی به اسرائیل با وعده تعلیق

هیل

رابطت ساتلوف

پیروزی دونالد ترامپ در انتخابات یک برهه روشنگر بود؛ اما از نظر سیاست غرب آسیا، ماه‌ها در مبارزات انتخاباتی همچنان سؤالات کلیدی بی‌پاسخ باقی مانده است.

رؤسای جمهوری آمریکا در ۱۵ سال گذشته در سیاست‌های خود در غرب آسیا تفاوت‌های زیادی داشته‌اند، اما همه آن‌ها بر این اصل توافق داشتند که اجازه دادن به رهبران آخرالزمانی ایران برای داشتن سلاح هسته‌ای بسیار خطرناک است. روسای جمهوری استراتژی‌های مختلفی برای جلوگیری از این موضوع داشتند، از دیپلماسی (توافق برجام ایران) تا تحریم‌های اقتصادی («فشار حداکثری») تا تهدیدات نظامی («همه گزینه‌های روی میز»)، اما این اصل ثابت بود.

با این حال، تاکنون، کارزار ترامپ و ونس این رویکرد را تایید نکرده است. به عنوان مثال، ونس در مناظره معاون رئیس‌جمهور گفت که از اقدام اسرائیل علیه تأسیسات هسته‌ای ایران حمایت می‌کند، اما نه او و نه ترامپ نگفته‌اند که آیا جلوگیری از هسته‌ای شدن ایران مسئولیت آمریکاست یا خیر.

ترامپ، به اعتبار خود، اسرائیل را در روزهای پایانی دوره اول ریاست جمهوری خود وارد فرماندهی مرکزی آمریکا کرد که راه را برای

تناقض در بازدارندگی اسرائیل

نتانیاهاو چقدر بر ترامپ تأثیر خواهد داشت؟

نیوزویک یاکوف کاتز

در ماه می سال ۲۰۱۸، دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، از توافق هسته‌ای ایران خارج شد. این لغو دستاورد امضای سیاست خارجی باراک اوباما بود و این اقدام جنجالی، به‌عنوان اولین گام مورد نیاز برای دستیابی به توافقی بهتر توضیح داده شد که واقعاً فرصتی برای توقف دستیابی ایران به توانمندی هسته‌ای بود. اسرائیل مدت‌ها از این توافق انتقاد می‌کرد. در ماه جولای، صدایی از بنیامین نتانیاها منتشر شد که به اعضای حزب لیکود می‌گفت اسرائیل ترامپ را متقاعد کرده که از توافق خارج شود.

روز یکشنبه، نتانیاهاو در جلسه هفتگی کابینه دولت فاش کرد از زمانی که ترامپ در انتخابات هفته گذشته پیروز شد، سه بار با او صحبت کرده است.

بازگشت ترامپ فرصت‌ها و چالش‌هایی را برای نتانیاهاو به همراه دارد. از یک سو، انتظار می‌رود که دولت آتی از نظر ایدئولوژیک بیشتر با دولت کنونی اسرائیل همسو باشد و از تنش مشخصه روابط نتانیاهاو با بایدن اجتناب کند. تیم ترامپ شامل چهره‌هایی است که از حضور اسرائیل در کرانه باختری حمایت می‌کنند، موضعی که بایدن مدت‌ها با آن مخالف بوده است.

از نظر سیاسی، پیروزی ترامپ به نتانیاهاو کمک می‌کند. ترامپ علاوه بر خروج از توافق با ایران، اورشلیم را به‌عنوان پایتخت اسرائیل و حاکمیت این رژیم بر بلندی‌های جولان را به رسمیت شناخت، سفارت آمریکا را به آنجا منتقل و در حالی که توافق صلحی را مطرح کرد که دولت فلسطین را به رسمیت می‌شناخت، خواستار تخلیه شهرک‌های اسرائیلی نشد. اکنون این انتظار وجود دارد که نتانیاهاو بتواند به ارائه دارایی‌های استراتژیک به‌عنوان هدیه از سوی ترامپ ادامه دهد.

در حالی که اسرائیل می‌خواهد پس از پایان جنگ، عادی‌سازی با عربستان را پیش ببرد، برای رسیدن به آن، سعودی‌ها خواهان یک پیمان دفاعی با آمریکا هستند. این ممکن است فوراً با سیاست دور شدن از مناطق مستعد درگیری مطابقت نداشته باشد.

t.ly/RcKif



در واقع با استفاده از روش‌های نظامی متعارف، تهاجم بیشتری را تشویق می‌کند و بخش مرکزی استراتژی ایران در غرب آسیا بوده است.

با این حال، از کار انداختن حزب‌الله و حماس، حتی به‌طور موقت، احتمالاً اثرات منفی درازمدت قابل توجهی بر اسرائیل و غرب آسیا خواهد داشت. ایران تحت فشار قرار خواهد گرفت تا منابع دیگری از اهرم فشار برای جلوگیری از مداخله اسرائیل در برنامه‌های هسته‌ای و سایر فعالیت‌های خود بیابد و این امر احتمال مشارکت در تشدید تنش هم‌تراز را بسیار بیشتر می‌کند، به‌ویژه زمانی که یک کشور دامنه مناقشه را فراتر از جغرافیای اولیه‌اش گسترش می‌دهد. در هفته‌های منتهی به حملات ۲۵ اکتبر اسرائیل در داخل ایران، مقامات ایرانی بر اساس گزارش‌ها تهدید کردند که علیه آمریکا و همچنین هر کشور عربی که به اسرائیل اجازه استفاده از قلمرو یا حریم هوایی آن‌ها برای حمله را داده است، تلافی خواهند کرد.

تغییر موازنه قدرت در غرب آسیا نیز خطرات قابل توجهی را متوجه آمریکا و شرکای منطقه‌ای آن می‌کند. اگر ایران به دستیابی به سلاح هسته‌ای سرعت ببخشد، آمریکا مجبور خواهد شد که بیشتر در جنگ‌های اسرائیل دخالت کند، حتی در شرایطی که اهرم‌های آن در منطقه در حال کاهش است.

https://B2n.ir/g74629

بود؛ اما در بلندمدت، خطر جنگ منطقه‌ای و حتی احتمال دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای را به میزان قابل توجهی افزایش می‌دهد. برای جلوگیری از کشیده شدن به درگیری بیشتر در غرب آسیا، آمریکا باید برای مهار اقدامات بیشتر اسرائیل و تثبیت توازن قوا تلاش کند.

بازدارندگی، در درون مایه خود، توانایی یک بازیگر برای تغییر ارزیابی سود و زیان بازیگر دیگر به‌منظور جلوگیری از اقدامات ناخواسته است که معمولاً در تلاش برای حفظ وضعیت موجود رخ می‌دهد. با این حال، بازدارندگی به ندرت مترادف با صلح مطلق است. بلکه در مورد جلوگیری از عبور دشمن از خطوط قرمز خاص است. برای مثال، در طول جنگ سرد، آمریکا و اتحاد جماهیر شوروی در بازدارندگی یکدیگر از انجام حملات پیشگیرانه یا مستقیم بسیار مؤثر بودند، اما همچنان چندین دهه جنگ‌های نیابتی، فروش اسلحه به دشمنان و تهاجم آشکار به کشورهای ثالث را انجام دادند. آمریکا تاکنون در بازدارندگی چین از حمله به تایوان مؤثر بوده است، اما چین را از انجام سایر اقدامات تحریک‌آمیز در دریای جنوبی چین منع نکرده است. گرایش در سیاست بین‌الملل که به موجب آن دولت‌ها از حملات مستقیم به نفع اقدام غیرمستقیم‌منصرف می‌شوند، در قلب تناقض ثبات بی‌ثباتی است که در مطالعات امنیتی تئوری شده است که البته در آن بازدارندگی هسته‌ای اثبات

فان افروز کری‌لی

ماه آوریل گذشته، به نظر می‌رسید که تشدید تنش بین اسرائیل و ایران می‌تواند کل غرب آسیا را وارد درگیری کند. حملات اسرائیل به کنسول‌گری ایران در دمشق، ایران را بر آن داشت تا با پرتاب رگبار موشک و راکت به سمت اسرائیل، واکنش تلافی‌جویانه‌ای انجام دهد، اولین باری که ایران آشکارا به این کشور حمله کرد؛ اما پس از پاسخ اسرائیل به روشی نسبتاً خاموش، هر دو کشور از رویارویی خارج شدند. ناظران نیز شدیدترین نگرانی‌های خود را کنار گذاشتند، زیرا هر دو کشور نشان داده بودند که هیچ علاقه‌ای به جنگ گسترده‌تری ندارند.

اما این نتیجه‌گیری زود هنگام بود. در ماه سپتامبر، اسرائیل کارزار خود را علیه حزب‌الله، گروه شبه‌نظامی تحت حمایت ایران که در لبنان فعالیت می‌کند، تشدید کرد. این امر تغییر مهمی را نشان می‌دهد: بیان می‌دارد که رهبران اسرائیل به این نتیجه رسیده‌اند که می‌خواهند به‌طور فعال توازن قدرت در غرب آسیا را تغییر دهند. جنگ اسرائیل علیه حزب‌الله، بیش از اقداماتش در غزه، توانایی ایران برای قدرت‌نمایی را تهدید می‌کند و توانایی آن را برای بازدارندگی از مداخلات اسرائیل در سیاست داخلی و برنامه هسته‌ای‌اش به شدت کاهش می‌دهد. تضعیف موقعیت ایران در کوتاه‌مدت به نفع اسرائیلی‌ها خواهد

آلمان اولین کشوری شد که با پوتین صحبت کرد



کوئینسی

تدا سنا پدرا

برای اولین بار طی دو سال گذشته، یک رئیس یک کشور بزرگ غربی با ولادیمیر پوتین گفت‌وگو کرد و الگوی غربی برای منزوی کردن رئیس‌جمهور روسیه را شکست.

در روز ۱۵ نوامبر، اولاف شولتز، صدراعظم آلمان، با پوتین تماس تلفنی برقرار کرد. شولتز می‌گوید که این تماس را به این دلیل انجام داده که «[من] مهم است که به [پوتین] بگویم که نمی‌تواند روی کاهش حمایت آلمان، اروپا و بسیاری دیگر در جهان حساب کند.»

به گفته سخنگوی دولت آلمان، شولتز چهار نکته کلیدی را به پوتین رساند. وی حمله روسیه به اوکراین را محکوم کرد و از این کشور خواست که نیروهای خود را خارج نموده و مایل باشد با اوکراین با هدف دستیابی به صلح عادلانه و پایدار مذاکره کند. او به پوتین گفت که استقرار نیروهای کره شمالی یک «تشدید تنش» است. او

رابطه کرده بود. در دسامبر سال ۲۰۲۲، شولتز گفت که تمایلی برای تعامل با پوتین وجود دارد و تمام مسائل مربوط به امنیت مشترک قابل حل و بحث است. محتوای کامل تماس تلفنی مشخص نیست. معلوم نیست، علاوه بر مواضع حداکثری گزارش شده، در مورد هر یک از این مواضع ظریف‌تر صحبت شده است یا خیر.

ibit.ly/knuFF

از مذاکره برای حل و فصل دیپلماتیک امتناع نکرده است. کرملین می‌گوید که پوتین در مورد انرژی، به شولتز نیز گفت که اگر طرف آلمانی به این موضوع علاقه نشان دهد، روسیه برای همکاری دوجانبه سودمند آماده است. این تماس تلفنی با پوتین برای اولین بار نبود. شولتز در مورد مذاکره با پوتین بر سر تهاجم بی‌دلیل او به اوکراین قطع

حاملات روسیه به زیرساخت‌های غیرنظامی را محکوم کرد و قول عزم تزلزل‌ناپذیر آلمان برای حمایت از اوکراین در مبارزه دفاعی خود در برابر تجاوز روسیه را داد. دیمیتری پسکوف، سخنگوی کرملین، این گفت‌وگو را «جزئی» و «صادقانه» خواند، اگرچه آن‌ها به «همگرایی نظرات» نرسیدند. پوتین به شولتز گفت که روسیه «هیچوقت

سقوط دولت آلمان، خبر بدی برای اروپاست

که نشان می‌دهد ممکن است معاملات بیشتری روی میز باشد. اروپا با مشارکت با اقتصادهای کشورهای حاشیه خلیج فارس که به سرعت در حال رشد هستند، می‌تواند از حمایت مالی و استراتژیک برخوردار شود. این کشورها مدت‌هاست که به منابع سوخت فسیلی خود وابسته بوده‌اند، اما با تغییر بازار به سمت جایگزین‌های سبزتر، آن‌ها مشتاق هستند که در حوزه‌های دیگر متنوع شوند. ادنوک با تصاحب کسب‌وکار نوآورانه مواد شیمیایی پایدار کووستر و به یک شروع بزرگ دست یافته است، اما سایرین نیز مجبور به دنبال کردن آن هستند.

اکنون، اروپا باید برای ارائه آماده شود. ما باید به همدار فوری فروپاشی دولت آلمان توجه کنیم، در غیر این صورت دولت‌های دیگر فرو خواهند ریخت و اقتصاد جمعی اروپا را با خود خواهند برد. آینده ما به توانایی ما برای انطباق و متحد شدن بستگی دارد و از پتانسیل خود برای هدایت جهان به آینده‌ای پاک‌تر و سبزتر استفاده می‌کنیم.

<https://shorturl.at/e3t8H>



و در عین حال الگویی برای چگونگی جذب سرمایه خارجی را که به شدت به آن نیاز دارد، برای اروپا ایجاد کرد. به هر حال، ادنوک متعهد شده است تا سال ۲۰۲۷، ۱۵۰ میلیارد دلار در هزینه‌های مورد نیاز سرمایه‌گذاری کند

است. همین ماه گذشته، غول شیمیایی آلمانی کووستر با مشارکت ۱۴٫۷ میلیارد یورویی با غول انرژی اماراتی ادنوک (شرکت ملی نفت ابوظبی) خریداری شد. این قرارداد راه نجاتی برای بخش صنعتی در حال مبارزه آلمان ارائه کرد

نیوزویک

ایزابیل شاتز شنا پدرا

دولت ائتلافی آلمان به دلیل امتناع وزیر دارایی این کشور از اجازه دادن به اولاف شولتز، صدراعظم آلمان برای باز کردن درچه‌های مخارج فروپاشیده است. این امر شکاف‌های عمیقی را در این سیستم آشکار کرده و نشان دهنده پایان یک دوره در سیاست اروپا است. اقتصاد این کشور تحت محاصره خودروهایی برقی چینی است و آلمان و فرانسه بر سر اینکه آیا از صنایع خود با تعرفه‌های حمایتی دفاع کنند یا فرصت‌های تجارت آزاد را دوباره برکنند، اختلاف دارند.

این بلوک سالانه به ۸۰۰ میلیارد یورو نیاز دارد تا اقتصاد را کد خود را احیا کند و جایگاه خود را در صحنه جهانی باز یابد. فروپاشی آلمان نگران‌کننده‌ترین است، زیرا نزدیک به یک چهارم تولید ناخالص داخلی اتحادیه اروپا را تشکیل می‌دهد. یک نظام مالی جدید باید پدیدار شود که هزینه‌های منظم و سرمایه‌گذاری استراتژیک را در بخش‌های حیاتی مانند انرژی سبز و هوش مصنوعی متعادل کند. صنعت مواد شیمیایی نیز در حال رشد

ترامپ با ایران توافق می کند؟



جلوگیری از نزدیک شدن به روابط ایران و آمریکا تلاش کرده است، به خود می بالد که او بود که ترامپ را تحریک کرد تا توافق را کنار بگذارد و به سمت «فشار حداکثری» تغییر مسیر دهد. ترامپ حتی گفت که به تیم بایدن گفته است که به سرعت یک توافق با ایران را امضا کنند زیرا او «به (دولت بایدن) کشوری را تحویل داد که آماده توافق

این امر تضمین می کرد که بایدن هرگز دوباره به آن توافق نمی پیوندد. مشاوران کلیدی ترامپ مانند جان بولتون، مایک پمپئو، برایان هوک و الیوت آبرامز سخت تلاش کردند تا ترامپ را از پیگیری گزینه های دیپلماتیک جدی درباره ایران و دستیابی به یک «توافق بهتر» ممانعت کنند. بنیامین نتانیاهو، نخست وزیر اسرائیل که همیشه برای

بود» اما آن ها نمی دانستند چگونه این کار را انجام دهند. اکنون ترامپ فرصت دیگری خواهد داشت.

در حالی که گفت و گوهای ماسک با مقامات ایرانی به طور بالقوه مهم است و می تواند نشانه ای باشد که می توان از درگیری بزرگ اجتناب کرد، پیشرفت آسان نخواهد بود. مفهوم ترامپ از «معامله سازی» به شدت بر این ایده متکی است که طرف مقابل

جلوگیری از نزدیک شدن به روابط ایران و آمریکا تلاش کرده است، به خود می بالد که او بود که ترامپ را تحریک کرد تا توافق را کنار بگذارد و به سمت «فشار حداکثری» تغییر مسیر دهد.

ترامپ حتی گفت که به تیم بایدن گفته است که به سرعت یک توافق با ایران را امضا کنند زیرا او «به (دولت بایدن) کشوری را تحویل داد که آماده توافق

سورین

سایر حوزه ها

موضوعات مرتبط

روزنامه

باید نرم شود تا از «موضع قدرت» بهترین توافق حاصل شود؛ اما در دوره اول ریاست جمهوری او، تحریم ها علیه ایران و اقدامات تحریک آمیز مانند ترور سردار سلیمانی نتیجه معکوس داشت و با به حاشیه راندن کسانی که در تهران علاقه مند و قادر به معامله با واشنگتن بودند، موضع ایران را سخت تر کرد. در دوره اول ترامپ، امانوئل مکران، رئیس جمهور فرانسه تلاش کرد تا رئیس جمهور ایران را با دیدار مستقیم با ترامپ موافقت کند. سناتور رند پل تلاش کرد تا جواد ظریف وزیر امور خارجه وقت ایران را به کاخ سفید بیاورد؛ اما این تلاش ها در نهایت، احتمالاً توسط [آیت الله] خامنه ای، رهبر ایران، رد شد، زیرا تندروها نمی خواستند ترامپ را پس از درگیری شدن در یک سری تنش ها با «تصویر برداری خبری» خوشحال کنند، بدون اینکه اطمینانی از هیچ سودی برای آن ها وجود نداشته باشد.

<https://B2n.ir/n77788>

اشتیاق مراکش برای رابطه با آمریکا



شورای آتلانتیک سارا ضعیمی |

پیروزی دونالد ترامپ، رئیس جمهور منتخب، نویدبخش روابط آمریکا و مراکش است. همان طور که پادشاه محمد ششم در بیانیه خود با تبریک پیروزی ترامپ در انتخابات به یاد آورد، در اولین دوره ریاست جمهوری خود، ترامپ حاکمیت کامل روابط بر سرزمین مورد مناقشه صحرای غربی را به رسمیت شناخت. ترامپ با اعلامیه ریاست جمهوری در روز ۱۰ دسامبر ۲۰۲۰ در ازای برقراری مجدد روابط دیپلماتیک مراکش با اسرائیل، این رابطه را به رسمیت شناخت. محمد ششم در بیانیه خود ادامه داد که «مردم مراکش برای همیشه سیاست سازگار این به رسمیت خواهند بود» و واشنگتن را «دوست و متحد دیرینه رباط» خواند.

در حالی که مراکش امیدوار است مذاکرات با دولت آتی را از همان جایی که متوقف کرده است ادامه دهد، رویکرد عمل گرایانه تر و معامله گرانه ترامپ در سیاست خارجی نشان می دهد که او به دنبال چیزی در ازای حمایت مجدد

به منظور جایگزینی کاهش عرضه انرژی روسیه، تضمین کند. این امر به معنای رعایت یک خط دقیق بین موضع رسمی آمریکا در مورد صحرای غربی و روابط واشنگتن با الجزایر است که به شدت با ادعای مراکش در منطقه مخالف است و میزبان گروه جدایی طلب جبهه پولیساریو در خاک خود است.

<https://B2n.ir/r64945>

آنچه مقامات مراکشی در دوره دوم ریاست جمهوری ترامپ به آن امیدوار هستند، پایان دادن به سیاستی مبهم در قبال کشورشان در دولت بایدن است. دولت بایدن تلاش کرده است روابط تاریخی آمریکا و مراکش و منافع امنیتی مشترک را از یک سو متعادل کند و از سوی دیگر، مسئولیت واشنگتن را برای تضمین ادامه جریان گاز الجزایر به اروپا

از حاکمیت مراکش بر صحرای غربی و گشایش صحرای غربی به رباط است. با این حال، جو سیاسی در مراکش حول عادی سازی با اسرائیل از زمان شروع جنگ در غزه تغییر کرده است و به نظر می رسد پیمان آبراهام در میان اکثر کشورهای عربی که از خشم مردم خود می ترسند و به سمتی دیگر رفته اند، محبوبیت خود را از دست داده است.

دموکرات‌ها اکنون حزب ثروتمندان هستند

که دموکرات‌ها به جز بالا نگه داشتن نرخ بهره به آن توجه نکردند. اونیل: آیا دموکرات‌ها می‌توانند از این وضعیت بازگردند؟

مک آرتور: هریس باید در مورد افزایش حداقل دستمزد چیزی می‌گفت. او باید هر چیزی می‌گفت که نشان می‌داد به منافع طبقه کارگر اهمیت می‌دهد. دموکرات‌ها باید به جای جیمی کیمل، حمایت‌های افراد مشهور را متوقف می‌کردند و بایک رئیس اتحادیه در تلویزیون مصاحبه می‌کردند. فکر نمی‌کنم حزب دموکرات بتواند خود را اصلاح کند. در واقع، دیگر حزب طبقه کارگر وجود ندارد.

<https://B2n.ir/g48766>

که درآمد خانواده کمتر از ۱۰۰ هزار دلار در سال داشتند به ترامپ رأی دادند. هریس اکثریت افراد با درآمد خانواده بالای ۱۰۰ هزار دلار را به دست آورد. اونیل: آیامی گویند ترامپ آرای طبقه کارگر را برد یا دموکرات‌ها آن را از دست دادند؟ مک آرتور: مجموع آرای مردمی ترامپ تقریباً مشابه چهار سال پیش است. هریس در سال ۲۰۲۰، ۱۱ میلیون رأی کمتر از بایدن دریافت کرد. آن ۱۱ میلیون رأی دهنده کجا رفتند؟ برخی به ترامپ رفتند، اما احتمالاً اکثر آن‌ها رأی ندادند. ما باید بررسی کنیم که چرا آن‌ها به دموکرات‌ها رأی ندادند. یکی از چیزهایی که به ذهن می‌رسد تورم است

دلیل شکست دموکرات‌ها توسط منتقدانی مانند برنی سندرز بیان شد که اخیراً نوشت که دموکرات‌ها به حزب ثروتمندان تبدیل شده‌اند نه طبقه کارگر. اومی گوید آن‌ها باید تصمیم بگیرند که طرف چه کسی هستند. دموکرات‌ها خیلی وقت پیش تصمیم خود را گرفتند. آن‌ها تصمیم خود را در دهه ۱۹۹۰ گرفتند، زمانی که بیل کلینتون قراردادهای تجارت آزاد مانند نفتا را امضا کرد و روابط تجاری خود را با چین عادی کرد. این تصمیمات میلیون‌ها شغل تولیدی را از آمریکا به کشورهایی مانند مکزیک و چین فرستاد. این انتخابات وارونگی کامل سیاست آمریکا را نشان داد. بیش از نیمی از افرادی

اسپایکت |

در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا، دموکرات‌ها چهره واقعی خود را آشکار کردند. کامالاهریس، کاندیدای انتخابات، مبارزات انتخاباتی خود را با حمایت از افسانه‌های مضحک و تعقیب تأییدیه‌های افراد مشهور سپری کرد. تبدیل حزب دموکرات از حزب مردم به حزب نخبگان بیدار کامل به نظر می‌رسید و شکست انتخاباتی تحقیرآمیزی را به دونالد ترامپ پی‌ویلیست تحمیل کرد. جان آر مک آرتور هفته گذشته به نمایش برندان اونیل پیوست تا درباره دموکرات‌ها صحبت کند. آنچه در زیر می‌آید، گزیده‌ای ویرایش شده از گفت‌وگوی آن‌هاست.

برای بازگرداندن رأی دهندگان دموکرات‌ها باید اجازه دهند ترامپ خودش باشد

این به توضیح این نکته کمک می‌کند که چرا نه لفاظی‌های الهام بخش هریس و رئیس جمهور سابق باراک اوباما و نه مبلغ هنگفتی که دموکرات‌ها برای تبلیغات سیاسی خرج کردند نتوانستند رأی دهندگان آمریکایی را متقاعد کنند که MAGA چقدر مضر و افراطی است. در حالی که دموکرات‌ها برای دومین ریاست جمهوری ترامپ آماده می‌شوند، درس کلیدی این است که گاهی اوقات بهترین راه برای مبارزه با حریف این است که به آن‌ها اجازه دهید بیش از حد دست به کار شوند. در حالی که برخی ممکن است استدلال کنند که این رویکرد بی‌رحمانه است، اما ریشه در واقعیت سیاسی و روان‌شناسی اساسی انسان دارد: «مردم تمایل دارند ضرر را شدیدتر از سود احساس کنند». دموکرات‌ها در واکنش به دولت ترامپ باید رویکرد استراتژیک تری اتخاذ کنند. آن‌ها باید بی‌وقفه برای محافظت از ستون‌های دموکراتیک مانند حاکمیت قانون و آزادی مطبوعات مبارزه کنند و در عین حال بر موضوعات مهمی که آینده ما را شکل می‌دهند، مانند تغییرات آب‌وهوا و سلامت عمومی تمرکز کنند.

<https://B2n.ir/w56144>



چند ساعت قبل از باز شدن رأی‌گیری، علاقه به این سؤال افزایش یافت. حزب جمهوری خواه تحت رهبری ترامپ احتمالاً چارچوب‌های سیاستی و حقوقی را که دموکرات‌ها برای ایجاد آن‌ها سخت مبارزه کردند، از بین خواهد برد. هدف دموکرات‌ها باید شکست دادن و حذف دائمی تأثیر برنامه MAGA بر بدنه سیاست آمریکا باشد؛ اما نبرد ایده‌ها از طریق مناظره‌های ریاست جمهوری یا سخنرانی‌های تبلیغاتی به دست نمی‌آید. از طریق پیامدهای سیاستی در دنیای واقعی و تجربه به دست می‌آید.

بی‌پروایی برنامه MAGA و جلب حمایت آمریکایی‌های طبقه کارگر باشد. اگر رهبران حزب بر این باورند که صرفاً اصلاح استراتژی‌های مبارزاتی آن‌ها را قادر می‌سازد تا دوباره با طبقه کارگر آمریکا ارتباط برقرار کنند، خود را فربه می‌دهند. به هر حال بسیاری از حامیان ترامپ رأی دهندگانی با اطلاعات پایین هستند که گواه آن این واقعیت است که بسیاری از مردم هنوز در گوگل سرچ می‌کردند «آیا بایدن از رقابت‌های ریاست جمهوری کنار رفت؟». در روز انتخابات در ایالت‌های مهم نوسانی مانند میشیگان و پنسیلوانیا،

پراجکت سیندیکت | یاشنگ هانگ |

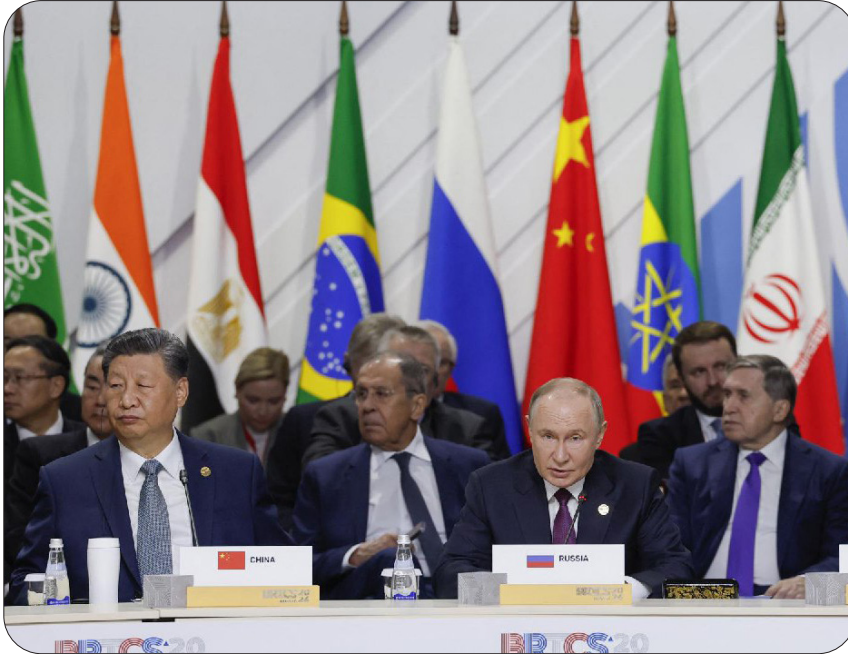
دموکرات‌ها به جای مبارزه برای جلوگیری از دستور کار دونالد ترامپ، باید به رأی دهندگان اجازه دهند تا تأثیر کامل سیاست‌های افراطی رئیس جمهور منتخب را تجربه کنند. با انجام این کار، آن‌ها می‌توانند مخرب بودن برنامه ترامپ را افشا کنند و آرای طبقه کارگر آمریکا را دوباره به دست آورند.

کامالاهریس، معاون رئیس جمهور آمریکا و نامزد دموکرات ریاست جمهوری، در سخنرانی خود برای امتیاز دادن، از هوادارانش خواست که تسلیم ناامیدی نشوند. او گفت: «چراغ وعده آمریکا همیشه روشن خواهد بود تا زمانی که ما هرگز تسلیم نشویم و به مبارزه ادامه دهیم». سناتور ایلیات وارن طرحی را برای دموکرات‌های کنگره ارائه کرده است تا «سیاست‌های افراطی ترامپ را کند یا گاهی محدود کنند»؛ اما دموکرات‌ها باید دقیقاً برعکس عمل کنند. به جای جلوگیری از برنامه رئیس جمهور منتخب دونالد ترامپ، «آمریکا را دوباره بزرگ کنیم» (MAGA)، باید اجازه دهند آن را اجرا کنند. انجام این کار ممکن است مطمئن‌ترین راه برای نمایش کامل ظلم و

چین و بریکس؛ اولویت بندی یا کثرت گرایی؟

سورینس

افول آمریکا

مکزیک و هند
روایتی از

هادسون ریچارد ویتزا

شانزدهمین اجلاس سران بریکس ماه گذشته در کازان نشانه‌های روشنی از آرزوهای چین برای این گروه به همراه داشت. این نشست، اولین نشست رهبری این نهاد پس از تصمیم برزیل، روسیه، هند، چین و آفریقای جنوبی برای دعوت از چندین عضو جدید بود. در ابتدای سال جاری، مصر، اتیوپی، ایران و امارات به عنوان اعضای کامل این گروه به بریکس پیوستند و در نتیجه، بریکس تقریباً نیمی از جمعیت جهان، بیش از یک سوم تولید ناخالص داخلی جهانی، چندین کشور قدرتمند از نظر نظامی و بسیاری از مصرف کنندگان و تولید کنندگان انرژی را در جهان تشکیل می‌دهد که اکنون از آن با عنوان بریکس پلاس یاد می‌شود؛ علاوه بر اعضای جدید آن، بسیاری از کشورهای دیگر را به طور رسمی در بریکس پلاس به عضویت رسمی بریکس درآوردند.

گردهمایی کازان که از تاریخ ۲۲ تا ۲۴ اکتبر برگزار شد، اولین نشست بریکس در روسیه از زمان حمله مسکو به اوکراین در سال ۲۰۲۲ بود. این جلسه همچنین برجسته‌ترین نشست بین‌المللی روسیه در سه سال گذشته بود. دولت روسیه کازان را به جای مسکو یا سن پترزبورگ به عنوان شهر میزبان انتخاب کرد تا بر اعتبار این گروه برای نشان دادن به اصطلاح جنوب جهانی تأکید کند. کازان شهری متنوع‌تر و کمتر اروپایی‌گرا نسبت به مکان‌های دیگر روسیه است. بیش از ۳۰ نماینده ملی از جمله بسیاری از سران کشورها به همراه آنتونیو گوترش دبیر کل سازمان ملل متحد و رؤسای چندین نهاد منطقه‌ای در نشست کازان شرکت کردند.

نشست کازان اساساً نمایش پوتین بود. رئیس‌جمهور روسیه با شرکت در بیش از ۱۲ دیدار رسمی دوجانبه با دیگر رهبران جهان، همراه با بسیاری از برخوردارهای غیررسمی و گروهی، بر پوشش رسانه‌ای تسلط داشت و بر اقتدار شخصی و عدم انزوای روسیه توسط غرب تأکید کرد. این نمایش‌ها آگاهانه به دنبال این بود که پوتین نشان دهد به اندازه‌ای که در نشست سال گذشته بریکس در آفریقای جنوبی ظاهر شد منزوی نبوده است. دولت روسیه در دیدار قبل فقط برای جلوگیری از شرمساری دولت میزبان که از نظر قانونی موظف به دستگیری پوتین بر اساس حکم صادره از سوی دادگاه کیفری بین‌المللی بود، به صورت مجازی شرکت کرد. با این وجود، آرزوهای روسیه برای ادعای رهبری جهان غیرغربی هنوز بسیار گزاف به نظر می‌رسد. رهبران بازدیدکننده و بیانیه طولانی اجلاس سران، بیانیه کازان، به عنوان ابزاری برای حمایت از موضع

همکاری شانگهای به طور مستقیم به تهدیدات تروریستی فراملی در اوراسیا می‌پردازد و یک ساختار نهادی را فراهم می‌کند که به وسیله آن چین می‌تواند تمرینات شبه نظامی را در آسیای میانه انجام دهد یا به طور غیرمستقیم با حکومت طالبان در افغانستان وارد شود. این سازمان همچنین مکانیزم بالقوه‌ای را برای گسترش آشتی اخیر چین و هند ارائه می‌دهد تا پاکستان متحد چین را نیز شامل شود. با این حال، اختلافات چین و روسیه بر سر پروژه‌های اقتصادی سازمان همکاری شانگهای و سایر مسائل بیشتر از برجام قابل مشاهده است، جایی که پکن و مسکو در ابتکار عمل برای بالا بردن شهرت این گروه و گسترش عضویت آن همکاری نزدیک دارند. میزان علاقه پکن به سازمان همکاری شانگهای در دوره ریاست این سازمان در سال جاری آشکارتر خواهد شد. وزارت خارجه جمهوری خلق چین اخیراً اعلام کرد که چین در طول ۱۲ ماه از سپتامبر ۲۰۲۴ میزبان بیش از ۱۰۰ رویداد مرتبط با سازمان همکاری شانگهای با موضوع «پیشبرد روح شانگهای و همچنین رشد سازمان همکاری شانگهای در عمل» خواهد بود. جالب توجه است که چین و آمریکا توجه خود را به گروه بیست (G۲۰) کاهش داده‌اند، گروهی که مانند شورای امنیت سازمان ملل از رویارویی‌های داخلی بین اعضای قدرتمند بزرگ خود رنج می‌برد، حتی در شرایطی که کشورهای در حال رشد مانند برزیل و هند برای منافع بیشتر خود تلاش کرده‌اند.

مسکو در مورد اوکراین بود. به دلیل تحریم‌های غرب که دسترسی به ویزا و مسترکارت در خاک روسیه را محدود می‌کند، نمایندگان خارجی مجبور بودند پول نقد همراه داشته باشند. دولت روسیه هنوز یک سیستم پرداخت بین‌المللی جایگزین ایجاد نکرده است. در این اجلاس، «پل BRICS» پیشنهاد مسکو که یک سیستم مالی امن مستقل از مکانیسم پرداخت سویفت تحت کنترل غرب را فراهم می‌کند، تصویب نشد، هرچند با تمام این اوصاف بیانیه کازان با در نظر گرفتن سیستم تسویه بریکس و بسیاری از کشورهای عضو در این سیستم ممکن است باعث شود کشورهای بریکس از سازوکارهای ارزی با استفاده از ارزهای غیردلاری استقبال کنند.

شی جین پینگ رئیس‌جمهور چین در نشست بریکس سخنرانی کرد و بر اهمیت ترکیب قدرت جنوب جهانی برای ساختن جامعه‌ای با آینده مشترک تأکید کرد. او از ابتکارات جدیدی برای تقویت بعد اقتصادی برجام، از جمله اتحاد جهانی هوش مصنوعی برای صنعت و مرکز تعالی تولید در شانگهای و پورتال جامعه گمرکی هوشمند جهانی خبر داد. شی همچنین از کشورهای جهانی جنوب برای پیوستن بیشتر به بریکس به عنوان اعضای کامل، کشورهای شریک یا در قالب «بریکس پلاس» حمایت کرد. شی همچنین نشست‌های مهم دوجانبه و سه‌جانبه از جمله نشست آشتی با نازندرا مودی، نخست‌وزیر هند و دیدار با پوتین برگزار کرد. یکی دیگر از مزایای پکن این است که سازمان

<https://tinyurl.com/293bo4px>

بندر جدید چین در پرو در حال ترقی است



کوئینسی کارسیک سانکاران

در اجلاس سران کشورهای حاشیه اقیانوس آرام که اخیراً به پایان رسیده است، روسای جمهور شی و بایدن در پرو در برابر موج فزاینده‌ای از اظهارنظرهای مبنی بر اینکه آمریکا در «حیات خلوت» خود توسط چین دور شده است، ملاقات کردند. آنتونی بلینکن، وزیر امور خارجه، یک روز پس از افتتاح یک کلان بندر در آب‌های عمیق در چانکای که توسط نهادهای چینی ساخته و اداره می‌شود، اعلام کرد که آمریکا موتورهای دیزلی مستعمل [Caltrain] را برای خط ریلی حومه لیما، پایتخت پرو منتقل می‌کند. این بندر باعث نگرانی شدید محافل نظامی آمریکا در مورد حضور نظامی احتمالی چین در نیمکره شده است. همچنین باعث شده است که یکی از مقامات سابق شورای امنیت ملی که به رئیس جمهور منتخب توصیه می‌کند تلاش کند که آمریکا برای هر کلاسی که از چانکای وارد آمریکای شود تعرفه ۶۰ درصدی وضع کند.

در هر صورت، نگرانی‌ها مبنی بر اینکه پیوندهای اقتصادی کشورهای آمریکای جنوبی را به مدار سیاسی چین بکشاند، احتمالاً اغراق آمیز است. همان طور که

سارنگ شیدور، مدیر برنامه جهانی جنوب موسسه کوئینسی بارها اشاره کرده است، قدرت‌های متوسط در جنوب جهانی به طور فزاینده‌ای در معرض خطر قرار گرفتن خود هستند، زیرا تنها زمانی معنا پیدا می‌کند که دو اقتصاد بزرگ جهان باهم اختلاف داشته باشند.

به جای تهویه بیش از حد در مورد چین در آمریکای لاتین، کارهای سازنده‌تری وجود دارد که واشنگتن می‌تواند انجام دهد، به خصوص که ممکن است جایابی چین از نقش‌های اقتصادی‌اش دشوار باشد. بدیهی‌ترین آن‌ها سرمایه‌گذاری در تولید است که دانش فنی و مدیریتی را منتقل می‌کند و به اقتصادهای متنوع‌تر منجر می‌شود. متأسفانه، واکنش‌های منفی در سیاست داخلی آمریکا علیه مسائل

احتمالاً با شکست مواجه خواهد شد یا نتیجه معکوس خواهد داشت. آمریکای جنوبی دارای سابقه طولانی دوره‌های مکرر مشکلات مالی است که ناشی از ترکیبی از قیمت‌های پایین‌تر کالاهای دولتی (ارز پیشرو برای وام‌های فرامرزی) است. آسیب‌پذیری‌های مالی نیز با آسیب‌پذیری سیاسی همراه است یعنی بحران‌های مکرر اغلب به تغییر پوپولیسم‌های چپ و راست منجر شده است و دهه‌ها تاریخ ناخشنود با صندوق بین‌المللی پول، کشورها را نسبت به این روایت که «دیپلماسی تله‌بدهی» اختراع اخیر چین است، بدبین می‌کند.

اما این تاریخ همچنین فرصت‌هایی را برای آمریکا ایجاد می‌کند تا کاری متفاوت انجام دهد. با محوریت دلار در سیستم پولی بین‌المللی، یکی از قدرت‌های مسلم آمریکا، امور مالی است. برنامه‌های خزانه‌داری با فدرال رزرو (بانک مرکزی) می‌تواند به ثبات اقتصادهای در تنگنا کمک کند و بازنگری در مورد شرط‌سیاسی و اقتصادی در پی دسترسی به کمک‌های آمریکا یا چند جانبه می‌تواند سودی در حسن نیت سیاسی داشته باشد.

<https://B2n.ir/s65661>

فایننشال تایمز

مایکروسافت به ترامپ هشدار داد با حملات سایبری ایران، روسیه و چین برخورد کند

هم‌زمان با موجی از «حملات سایبری حکومتی» که از خارج آمریکا، مقامات دولت و کارزارهای انتخاباتی را هدف قرار داده‌اند، مایکروسافت از دونالد ترامپ خواسته است که علیه حملات سایبری روسیه، چین و ایران فشار بیشتری اعمال کند. برد اسمیت، رئیس، معاون رئیس هیئت‌مدیره و مدیر ارشد حقوقی شرکت مایکروسافت، به فایننشال تایمز گفت که امنیت سایبری «مستحق آن است که در روابط بین‌الملل نقش برجسته‌تری داشته باشد». او از رئیس جمهور منتخب آمریکا درخواست کرد که «پیام نیرومندتری» را ارسال کند. اسمیت ابراز امیدواری کرد که فشار دولت ترامپ علیه حملات سایبری حکومت‌ها، به‌ویژه «روسیه، چین و ایران» شدیدتر باشد. حملات باج‌افزاری علیه کسب و کارهای آمریکا در سال‌های اخیر افزایش یافته است. به گفته اسمیت، این حملات اغلب توسط گروه‌های تبهکاری انجام می‌شود و حکومت روسیه در بسیاری موارد این فعالیت‌ها را «نادیده» می‌گیرد یا در برخی موارد آن را «تسهیل» می‌کند.

ibit.ly/xcJXi

سایبر ریچرچ

بلومبرگ

رابطه بانک «جی‌پی مورگان» با شرکت پسر شمشانی تحت بررسی است

خبرگزاری بلومبرگ گزارش داد که وزارت خزانه‌داری آمریکا سرگرم بررسی رابطه بانک «جی‌پی مورگان» با یک صندوق تأمین (صندوق پوشش ریسک) است که گفته می‌شود بخشی از یک شبکه تحت نظارت حسین شمشانی، فرزند علی شمشانی، است. بلومبرگ روز جمعه ۲ آذر با استناد به اظهارات افراد مطلع در این زمینه که نخواستند هویت‌شان فاش شود، افزود تحقیقات هنوز در مراحل اولیه است. بنا بر این گزارش، وزارت خزانه‌داری آمریکا سرگرم بررسی این مساله است که آیا این بانک مستقر در نیویورک هنگام پذیرفتن شرکت «اوشن لئونید» به‌عنوان مشتری، از تمام قوانین و مقررات مربوطه پیروی کرده است یا خیر. شرکت مزبور اخیراً توسط منطقه آزادی تجاری دبی به حالت تعلیق درآمده است. بلومبرگ پیش‌تر در ۳ آبان ۱۴۰۳ درباره شرکت «اوشن لئونید» به‌عنوان یک صندوق تأمین تحت نظارت حسین شمشانی با دفاتری در لندن، دبی و ژنو گزارش تهیه کرده بود.

ibit.ly/931mk

چگونه یمن در حال بازتعریف قدرت منطقه‌ای است

سورینس

محور مقاومت

محور مقاومت سورینس



کریدل خلیل نصرالله

ارتش یمن، همسو با محور مقاومت، در حال افزایش نفوذ خود در جنگ غرب آسیا است. یمنی‌ها توانایی خود را در راه‌اندازی و اجرای عملیات نظامی بی‌وقفه علیه کشتی‌های مرتبط با اسرائیل، آمریکا و بریتانیا و همچنین عملیات موشکی و پهپادی که عمق اسرائیل را هدف قرار می‌دهند، نشان داده‌اند. نیروهای دریایی آمریکا به‌طور منظم عملیات هوایی علیه یمن انجام می‌دهند و تلاش می‌کنند تا تلاش‌های انصارالله را متوقف کنند و بر تصمیم استراتژیک آن برای حمایت از فلسطین و لبنان تأثیر بگذارند. این جسارت نشان‌دهنده تعهد تسلیم‌ناپذیر یمن به حمایت از محور مقاومت و تبدیل شدن به اولین عضو محوری است که مستقیماً با قدرت‌های جهانی مقابله می‌کند. صنعا با افشای طرح‌های واشنگتن برای حمله هوایی بزرگ به اهداف یمن، هم متحدان و هم دشمنان را غافلگیر کرده است. عبدالملک حوثی، رهبر انصارالله از هدف قراردادن ناو یواس اس آبراهام لینکلن در دریای عرب و دو ناوشکن آمریکایی در دریای سرخ خبر داد. نیروهای مسلح یمن با استفاده از موشک‌های بالستیک و موشک‌های بال‌دار و پهپادها در مدت هشت ساعت حملات راکتی انجام دادند. حملات پیشگیرانه، پیشروی عملیات هوایی گسترده آمریکا را خنثی کرد که مناطق حیاتی در داخل یمن را هدف قرار می‌داد. سرتیپ یحیی سریع، سخنگوی ارتش یمن اهداف عملیات و قصد جلوگیری از هرگونه تجاوز به یمن را تأیید کرد. نیروهای یمنی توانایی‌های برنامه‌ریزی استراتژیک خود را از طریق حملات موشکی و پهپادی به نمایش گذاشته‌اند و توانایی‌های روبه‌رشد خود را در جنگ‌های متعارف و نامتعارف به نمایش گذاشته‌اند. نظامی‌سازی آبراهام نشان‌دهنده اهرم استراتژیک آن‌ها در کنترل مسیرهای مهم دریایی، به چالش کشیدن حضور آن‌ها و زیر سؤال

بردن حق آن‌ها برای فعالیت آزادانه در این آب‌هاست. پنتاگون تا حدی این حمله را تأیید کرد، اما هیچ حمله‌ای را علیه ناو یواس اس آبراهام لینکلن تأیید نکرد. نیروهای مسلح یمن مدعی شدند که ناو هواپیمابر پس از حمله صدها مایل دورتر شده است و نظارت دقیق آن‌ان بر کشتی‌های نیروی دریایی آمریکا را نشان می‌دهد. اختلاف در گزارش‌ها حاکی از ادامه جنگ اطلاعاتی بین دو دشمن است که هر کدام در تلاش برای کنترل روایت و حفظ روحیه هستند. اطمینان صنعا در به چالش کشیدن آشکار نسخه آمریکا از رویدادها، تأثیر ارتباطات منطقه‌ای جدید آن و قصد آن برای شکل دادن به برداشت بین‌المللی از درگیری را برجسته می‌کند.

پیام‌های پشت حمله پیشگیرانه بسیار فراتر از آن چیزی است که در حال حاضر به نظر می‌رسد؛ حمله پیشگیرانه به یمن نشان‌دهنده توانایی اطلاعات یمن در شناسایی طرح‌های نظامی خصمانه آمریکا و انگلیس است و به صنعا اجازه می‌دهد تا حملات را پیش‌بینی و دفع کند. این رویکرد پیشگیرانه به صنعا یک مزیت استراتژیک می‌دهد. نیروهای یمنی به‌طور مستمر در حال بهبود توانایی‌های نظامی و اطلاعاتی خود هستند و سلطه آمریکا در منطقه را

به چالش می‌کشند. این عملیات به‌عنوان هشدار برای هر کسی است که قصد تهاجمی دارد، به‌ویژه در شرایطی که جنگ مورد حمایت آمریکا علیه یمن حل نشده باقی مانده است. حمله پیشگیرانه نشان‌دهنده تمایل صنعا برای استفاده از زور برای حفاظت از حاکمیت و منافع استراتژیک خود است.

استراتژی صنعا برای تشدید تدریجی جنگ و برد استراتژیک با کسب زمان بیشتر برای خرابکاری‌هایش یکی از مهم‌ترین برنامه‌های صنعا است؛ سرتیپ مجیب شمسان، کارشناس نظامی یمن تأکید کرده است که حمله غیرمنتظره صنعا پیام‌های متعددی را به واشنگتن ارسال کرده است که نشان‌دهنده پایان تلاش‌های آمریکا برای اعمال نفوذ بدون مواجهه با عواقب است. شمسان هشدار می‌دهد که بی‌ثباتی دولت اعتماد بر ابزارهای واشنگتن در منطقه، به‌ویژه ابزارهایی که آن‌ها را برای دستیابی به اهدافش حرکت می‌دهند، تأثیر گذاشته است. او نسبت به هرگونه «ماجرای جوی» جدید آمریکا علیه نیروهای مسلح یمن هشدار می‌دهد و پیشنهاد می‌کند که صنعا به تدریج تاکتیک‌های خود را تشدید می‌کند و نشان می‌دهد که موشک‌های مافوق صوت می‌توانند در عملیات آینده مستقر

شوند تا خسارات شدیدی وارد کنند. این تشدید تدریجی نشانه یک استراتژی دقیق و اندیشیده شده است که دشمن را در زمین عنصر غیرقابل پیش‌بینی بودن نگه می‌دارد. آمریکا این پیام را به خوبی درک و تلاش کرد تا ناو هواپیمابر خود را کیلومترها دورتر مستقر کند. هوش، کلید اصلی این درگیری است، به گزارش شمسان، توان اطلاعاتی و نظارتی انصارالله برای موفقیت نظامی آن بسیار مهم است. جمع‌آوری اطلاعات پیشرفته این ناو آمریکایی‌ها را متحیر کرده است که تلاش می‌کردند تا مکان آن را پنهان کنند. با حملات موشکی صنعا و عملیات اخیر که واشنگتن و متحدانش را برای ارزیابی مجدد استراتژی‌های خود به چالش می‌کشد، نقش نظامی فعال یمن به‌شدت در محور مقاومت منطقه تبدیل شده است. نقش یمن در حمایت از آرمان‌های فلسطینی و لبنانی به این معناست که اسرائیل و متحدانش نمی‌توانند از طریق آتش‌بس، آوارهای ویرانگر این جنگ‌ها را از بین ببرند. به‌رغم وقایع شام، یمن استراتژیک کلیدی بسیاری از تصمیمات منطقه‌ای و مقاومت را در دست خواهد داشت و اهمیت اطلاعات در دستیابی به موفقیت نظامی را برجسته می‌کند.

<https://shorturl.at/EKAGg>

تأثیر جنگ اوکراین بر آسیای میانه



مؤسسه امور بین الملل استرالیا دلنوزا اوبایداللهوا / جسیکا گنورا

تأثیرات درگیری روسیه و اوکراین به فراتر از اروپا کشیده شده است و اتحادهای جهانی را تغییر داده و مناطقی مانند آسیای میانه را به روش های پیچیده ای تحت تأثیر خودش قرار داده است. کشورهای آسیای میانه که با روابط دیرینه با روسیه و دیگر قدرت های بزرگ شناخته می شوند، اکنون با یک اقدام متعادل کننده ظریف روبرو هستند. در حالی که منطقه به طور معمول به روسیه برای مشارکت های اقتصادی و امنیتی متکی بوده است، اما درگیری های مداوم فشارها و فرصت های جدیدی را ایجاد کرده است و این کشورها را به اتخاذ سیاست خارجی مطمئن تر و در عین حال محتاطانه تر سوق داده است. کشورهای آسیای میانه به چندین روش به تغییر چشم انداز ژئوپلیتیکی واکنش نشان داده اند؛ حفظ روابط اقتصادی با روسیه، خودداری محتاطانه از انتقاد مستقیم از مسکو و گسترش مشارکت با دیگر قدرت های جهانی مانند چین، غرب و ترکیه جزو واکنش های آنان بوده است. این پویایی های در حال تحول، آسیب پذیری ها و انعطاف پذیری استراتژیک منطقه را در جهت یابی نظم جهانی پیچیده تر می کند. از زمان به دست آوردن استقلال از اتحاد جماهیر شوروی، کشورهای آسیای میانه؛ قزاقستان، قرقیزستان، تاجیکستان، ازبکستان و ترکمنستان یک گذار چالش برانگیز از گذشته مشترک شوروی را پشت سر گذاشته اند. برای کشورهای آسیای میانه، سازمان هایی که تحت رهبری روسیه است به عنوان پلت فرم هایی برای امنیت منطقه ای و همکاری اقتصادی با روسیه عمل می کنند و به روسیه اجازه می دهند تا نفوذ قابل توجهی در چشم انداز ژئوپلیتیک آسیای میانه حفظ کند، اما با این حال، مشارکت در این نهادها منعکس کننده یک عمل متعادل کننده پیچیده است. کشورهای آسیای میانه باید در روابط خود با روسیه و در عین حال مشارکت با دیگر قدرت های جهانی را بررسی کنند. از زمان آغاز جنگ، کشورهای آسیای میانه رویکرد سیاست خارجی به اصطلاح «چند بردار» را با هدف برقراری روابط متوازن با روسیه و سایر قدرت ها مانند چین، جهان غرب و ترکیه رهبری می کنند. کشورهای منطقه سرزمین های اوکراین را که به تازگی به روسیه ضمیمه شده است، به رسمیت نشناختند و برخی از کشورها در روزهای آغازین جنگ در سال ۲۰۲۲ بیانیه های رسمی در حمایت از تمامیت ارضی اوکراین صادر کردند. روسیه یک شریک اقتصادی کلیدی است که هر کشور آسیای میانه برای تجارت به آن متکی است. اگرچه اخیراً، چین به عنوان شریک تجاری برتر برای اکثر آنان بوده است، اما روسیه پس از چین برای

قزاقستان، ازبکستان و قرقیزستان دومین شریک تجاری باقی مانده است. کشورهای آسیای میانه محصولات کشاورزی، فلزات و مواد معدنی، پنبه و محصولات نساجی را صادر می کنند و بسیاری از کارگران ازبکستان، تاجیکستان و قرقیزستان در روسیه کار می کنند. بر اساس آمار رسمی، روسیه حدود ۶٫۱ میلیون مهاجر دارد که بیشتر آن ها از کشورهای آسیای میانه هستند.

قزاقستان، ازبکستان و قرقیزستان دومین شریک تجاری باقی مانده است. کشورهای آسیای میانه محصولات کشاورزی، فلزات و مواد معدنی، پنبه و محصولات نساجی را صادر می کنند و بسیاری از کارگران ازبکستان، تاجیکستان و قرقیزستان در روسیه کار می کنند. بر اساس آمار رسمی، روسیه حدود ۶٫۱ میلیون مهاجر دارد که بیشتر آن ها از کشورهای آسیای میانه هستند.

اکثر مهاجران آسیای میانه برای کارهای فصلی به ویژه برای صنعت ساخت و ساز به روسیه سفر می کنند. در سال ۲۰۲۱ حواله های ارسال شده توسط مهاجران در روسیه ۳۵ درصد از تولید ناخالص داخلی تاجیکستان و ۳۳ درصد از تولید ناخالص داخلی قرقیزستان را تشکیل می داد. علاوه بر عوامل اقتصادی، نگرانی های امنیتی و روابط طولانی مدت با روسیه نیز وجود دارد. تاجیکستان، قزاقستان و قرقیزستان اعضای بلوک پیمان امنیت جمعی نیز هستند. قزاقستان و قرقیزستان نیز اعضای اتحادیه اقتصادی اوراسیا هستند و تمام کشورهای آسیای میانه عضوی از کشورهای مستقل مشترک المنافع هستند. این روابط و عناصر اقتصادی دولت ها را ملزم به حفظ رویکرد متعادل در همه جبهه ها با روسیه می کند. با جنگ اوکراین، توجه جامعه جهانی به آسیای میانه افزایش یافته است. کشورهای منطقه در حال افزایش مشارکت با دیگر بازیگران جهانی مانند چین، اتحادیه اروپا، آمریکا و ترکیه هستند. چین اولین اجلاس سران آسیای میانه را در ماه می ۲۰۲۳ در شیان برگزار کرد که در آن همه رهبران کشورهای آسیای میانه در آن شرکت کردند. در همین حال، ترکیه حضور خود را در منطقه از طریق پلتفرم سازمان کشورهای ترک (OTS) تقویت

کرده است. این گروه از زمان حمله روسیه به اوکراین در سال ۲۰۲۲ به سرعت رشد کرده است. این گروه بر همکاری اقتصادی، انرژی و حمل و نقل بین کشورهای عضو متمرکز است. کشورهای آسیای میانه مانند قزاقستان، قرقیزستان و ازبکستان بازیگران کلیدی در طرح های سازمان کشورهای ترک هستند. این سازمان از طریق پیوندهای فرهنگی و زبانی خود برای ترکیه اهرمی فراهم می کند که نفوذش را در سراسر منطقه افزایش می دهد.

این مشارکت های متفاوت، جایگزین های اقتصادی و سیاسی مناسبی برای وابستگی به روسیه ارائه می کنند. در چشم انداز ژئوپلیتیکی در حال تغییر، کشورهای آسیای میانه از فرصت های جدیدی برای ابراز استقلال و تنوع بخشیدن به روابط خارجی خود استفاده می کنند. یکی از ویژگی های کلیدی این استراتژی، پایبندی آن ها به «سیاست خارجی چند بردار» است که آن ها را قادر می سازد تا با قدرت های مختلف جهانی درگیر شوند و در عین حال از همسویی با هر بلوک واحدی اجتناب کنند. این رویکرد با تأکید مجدد بر یکپارچگی منطقه ای تقویت شده است که نمونه آن «جلسات مشورتی کشورهای آسیای میانه» است.

سیاست خارجی چندجانبه آن ها این امکان را به آنان می دهد که در حین جستجوی گزینه های جایگزین با قدرت هایی مانند چین، اتحادیه اروپا، ترکیه و آمریکا؛ همچنین پیوندهای اقتصادی و امنیتی را با روسیه حفظ کنند. با تشدید تمرکز جهانی بر آسیای میانه، این کشورها نیز علاقه مجددی به یکپارچگی منطقه ای نشان می دهند که ممکن است صدای جمعی آنان را تقویت کند و ثبات را در یک محیط ناآرام افزایش دهد.

<https://tinyurl.com/23xkvqgc>

خرید هواپیماهای رزمی مشترک برای تقویت واحد آزمایشی نیروی هوایی آمریکا

را برای EOU اعلام کرد و اکنون در حال ایجاد آن در پایگاه نیروی هوایی نلیس در نوادا است. وظیفه این واحد ایجاد تاکتیک‌ها و رویه‌های جدید برای به کارگیری CCAها و همچنین بررسی نحوه ادغام این پهپادها در ساختار کلی نیروی هوایی و کمک به ایجاد اعتماد در الگوریتم‌های خودمختاری است که زیربنای عملیات آن‌ها خواهد بود.

دیم سالمون، معاون تسلط هوایی و اعتصاب در اندوریل، در بیانیه‌ای در پاسخ به اظهارات هانتر، در هفته هوانوردی گفت: «خرید اضافی به نیروی هوایی کمک می‌کند تا اطمینان حاصل شود که جنگنده‌ها فرصت کافی برای آزمایش برای پشتیبانی از میدان عملیاتی قبل از پایان دهه خواهند داشت.»

<https://B2n.ir/q59552>

چرخه توسعه تکراری یا افزایشی باشد. اندوریل و جنرال اتمیکس در حال حاضر در حال توسعه طرح‌های جداگانه به‌عنوان بخشی از اولین افزایش هستند که انتظار می‌رود هر دوی آن‌ها برای اولین بار در سال آینده پرواز کنند. نیروی هوایی انتظار دارد رقابتی را برای Increment ۲ در سال مالی ۲۰۲۵ آغاز کند که از اول اکتبر آغاز شد. برنامه CCA همچنین شامل انواع کارهای مرتبط دیگر، از جمله در مورد فناوری‌های مستقل است.

به گزارش دیفنس وان، هانتر هفته گذشته گفت: «یک کاری که اخیراً انجام دادم این بود که خریدهای اضافی CCA را برای تجهیز واحد عملیات آزمایشی [EOU] تأیید کردم تا بتوانیم آن آزمایش را با استفاده از دارایی‌های واقعی انجام دهیم.»

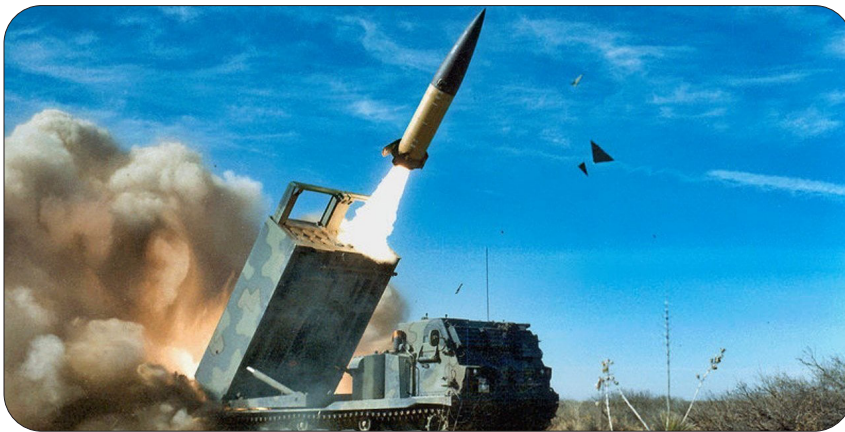
نیروی هوایی اولین بار در سال گذشته برنامه‌های خود

وارزون جوزف تروپتیک

واحدی که وظیفه کاوش در چگونگی استفاده نیروی هوایی آمریکا از هواپیمای رزمی مشترک (CCA) را بر عهده دارد، اکنون قرار است نمونه‌های واقعی از پهپادها را برای آزمایش به دست آورد. این در حالی اتفاق می‌افتد که برنامه‌های CCA این سرویس به تکامل خود ادامه می‌دهد که اکنون تا حدی به دلیل نگرانی‌های جدی در مورد کمبود بودجه است.

اندرو هانتر، دستیار وزیر نیروی هوایی در بخش اکتساب، فناوری و لجستیک، خریدهای اضافی CCA ۱ Increment را در رویداد Defense One's State of Defense Business در ۱۳ نوامبر اعلام کرد. برنامه CCA در حال حاضر انتظار می‌رود حداقل شامل دو

تصمیم بایدن برای سامانه موشکی تاکتیکی ارتش بی‌فایده است



نشانی اینترست جیمز رابینز

دولت بایدن برخی از محدودیت‌ها را در مورد نحوه استفاده اوکراین از موشک‌های تامین شده توسط آمریکا در جنگ جاری خود با روسیه کاهش داده است؛ اما این حرکت خیلی دیر انجام شد.

در آخر هفته، کاخ سفید تصمیم گرفت محدودیت‌های استفاده از تسلیحات سامانه موشکی تاکتیکی ارتش (ATACMS) را برای هدف قرار دادن اهداف در داخل روسیه کاهش دهد. گزارش شده است که این اقدام در واکنش به اعزام ۱۰ هزار سرباز کره شمالی برای جنگ در منطقه کورسک روسیه صورت گرفته است.

فرانسه و انگلیس همچنین استفاده اوکراینی از موشک‌های SCALP و Storm Shadow را برای انجام حملات مشابه در خاک روسیه تأیید کرده‌اند. این اقدام اساساً سیاست اتخاذ شده در ماه می گذشته را گسترش می‌دهد، زمانی که آمریکا برای اولین بار حملات محدود به اهدافی در داخل روسیه را برای حمایت از دفاع از شهر خارکف اوکراین تصویب کرد.

برای اوکراین، آخرین تغییر سیاست ممکن است به معنای توانایی بهبود موقعیت خود قبل از مذاکرات در دولت بعدی آمریکا باشد و بتواند به رئیس‌جمهور منتخب ترامپ ثابت کند که در واقع می‌تواند واقعیت‌های میدانی را به نفع خود تغییر دهد. این مهم است، با توجه به مخالفت فزاینده جمهوری خواهان برای حمایت مداوم از اوکراین. سپتامبر گذشته، ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه هشدار داد که کاهش محدودیت‌ها در ATACMS «ماهیت مناقشه را تغییر می‌دهد» و به این معنی است که

پایتختش، کی‌یف، از تسخیر استفاده کرد؛ بنابراین ترامپ می‌تواند تا حدودی در دفاع از اوکراین در برابر تجاوز روسیه ادعای موفقیت کند.

رویکرد دولت بایدن در قبال اوکراین مدیریت یک‌بن‌بست، نظارت بر درگیری بی‌پایان با تلفات و رنج فزاینده در هر دو طرف بوده است. خط‌مشی جدید ATACMS کاملاً در آن چارچوب قرار می‌گیرد، کاری انجام می‌دهد، اما کافی نیست. رئیس‌جمهور منتخب ترامپ متعهد شده است که به پایان درگیری کمک کند و رئیس‌جمهور زلنسکی معتقد است که مناقشه با سیاست این تیم که اکنون رهبری کاخ سفید را بر عهده دارد، سریع‌تر پایان خواهد یافت. اگر نتوان جنگ را در میدان جنگ حل کرد، باید در میز مذاکره آن را حل کرد؛ به عبارت دیگر، صلح نه با موشک، بلکه از طریق هنر معامله حاصل خواهد شد.

<https://B2n.ir/w24019>

آمریکا و کشورهای ناتو «در حال جنگ با روسیه هستند». روز سه‌شنبه، پوتین با رسمیت بخشیدن به دکترین دفاعی جدیدی که اجازه پاسخ هسته‌ای به هرگونه حمله متعارف به روسیه توسط هر کشوری را که توسط یک قدرت هسته‌ای حمایت می‌شود، افزایش داد.

رئیس‌جمهور ترامپ آزاد است که پس از روی کار آمدن خود، محدودیت‌هایی را برای استفاده از ATACMS یا هر سلاح دیگری اعمال کند، یا می‌تواند از آن به‌عنوان ابزاری برای چانه‌زنی در مذاکرات آتی استفاده کند. با این حال، این اشتباه است که فکر کنیم موضع ترامپ به‌طور خودکار ترک اوکراین خواهد بود. ترامپ در اولین دوره ریاست‌جمهوری خود مجوز فروش موشک‌های جاولین به اوکراین را صادر کرد که دولت او با آن را مسدود کرده بود. اوکراین از این تسلیحات ضد تانک برای خنثی کردن حمله روسیه در سال ۲۰۲۲ و نجات

ان پی آر

مذاکرات اضطراری ناتو و اوکراین پس از حمله روسیه با موشک جدید



ناتو و اوکراین روز سه‌شنبه پس از حمله روسیه به یک شهر مرکزی با موشک بالستیک آزمایشی و مافوق صوت که جنگ تقریباً ۳۳ ماهه را تشدید کرد، مذاکرات اضطراری برگزار خواهند کرد.

دونالد تاسک، نخست‌وزیر لهستان، روز جمعه گفت، درگیری «ورود به مرحله‌ای تعیین کننده» است و «ابعاد بسیار دراماتیکی به خود می‌گیرد».

در پی حمله روز پنجشنبه روسیه به تأسیسات نظامی در شهر دنیپرو، پارلمان اوکراین جلسه‌ای را لغو کرد. ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه در یک هشدار جدی به غرب در یک سخنرانی تلویزیونی ملی گفت که حمله با موشک میان برد اورشونیک در تلافی استفاده کی‌یف از موشک‌های دوربرد آمریکا و انگلیس که قادر به حمله به عمق بیشتر خاک روسیه هستند، بوده است.

پوتین گفت: «سامانه‌های پدافند هوایی غربی برای متوقف کردن موشک جدید ناتو نخواهند بود».

مقامات نظامی اوکراین گفتند موشکی که به دنیپرو اصابت کرد به سرعت ۱۱ مایه رسید و ۶ کلاهک غیرهسته‌ای را حمل می‌کرد که هر کدام ۶ گلوله فرعی را آزاد می‌کرد.

پوتین که روز جمعه با مقامات صنایع نظامی و تسلیحاتی صحبت می‌کرد، گفت که روسیه تولید اورشونیک را آغاز می‌کند.

او با لبخندی محو گفت: «هیچ کس در دنیا چنین سلاحی ندارد. دیر یا زود سایر کشورهای پیشرو نیز آن‌ها را دریافت خواهند کرد. ما آگاه هستیم که آن‌ها در حال رشد و توسعه هستند».

اما او افزود: «ما اکنون این سیستم را داریم و این مسئله مهم است».

پوتین گفت که آزمایش این موشک، «از جمله در نبرد، بسته به موقعیت و ماهیت تهدیدات امنیتی ایجاد شده برای روسیه» ادامه خواهد داشت و اشاره کرد که «ذخیره‌ای از این سامانه‌ها آماده استفاده است».

پوتین گفت که اگرچه این یک موشک قاره‌پیمانیست، اما آن قدر قدرتمند است که استفاده از چندین فروند از آن‌ها مجهز به کلاهک‌های معمولی در یک حمله می‌تواند به اندازه حمله با سلاح‌های استراتژیک یا هسته‌ای ویرانگر باشد.

ژنرال سرگئی کاراکایف، رئیس نیروهای موشکی استراتژیک روسیه، گفت که اورشونیک می‌تواند به اهدافی در سراسر اروپا برسد و به کلاهک‌های هسته‌ای یا متعارف مجهز شود البته با تکرار ادعای پوتین مبنی بر اینکه حتی با کلاهک‌های معمولی، «استفاده گسترده از این سلاح از نظر اثر با استفاده از سلاح‌های هسته‌ای قابل مقایسه است».

دمیتری پسکوف، سخنگوی کرملین روز جمعه لحن جنگ طلبانه روسیه را حفظ کرد و «تصمیمات و اقدامات بی‌پروا کشورهای غربی» را در تأمین سلاح به اوکراین برای حمله به روسیه مقرر دانست. وی گفت: «طرف روسی به‌وضوح توانایی‌های خود را نشان داده است و خطوط اقدامات تلافی جویانه بعدی در صورت عدم توجه به نگرانی‌های ما نیز به‌وضوح مشخص شده است».

ویکتور اوربان، نخست‌وزیر مجارستان، که به‌طور گسترده‌ای گرم‌ترین روابط را با کرملین در اتحادیه اروپا دارد، سخنان مسکورا تکرار و پیشنهاد کرد که استفاده از تسلیحات ارائه شده توسط آمریکا در اوکراین احتمالاً مستلزم دخالت مستقیم آمریکا است. اوربان در رادیو دولتی گفت: «این‌ها موشک‌هایی هستند که شلیک و سپس از طریق یک سیستم الکترونیکی به سمت هدف هدایت می‌شوند که به پیشرفته‌ترین فناوری و قابلیت ارتباطات ماهواره‌ای در جهان نیاز دارد. یک فرض قوی وجود دارد که این موشک‌ها بدون کمک پرسنل آمریکایی قابل هدایت نیستند».

اوربان نسبت به دست کم گرفتن واکنش‌های روسیه هشدار داد و تأکید کرد که تغییرات اخیر این کشور در دکترین استقرار هسته‌ای خود نباید به‌عنوان یک «بلوف» نادیده گرفته شود. او گفت: «این یک ترفند نیست و قطعاً عواقبی خواهد داشت».

یان لیپاوسکی، وزیر امور خارجه چک، به‌طور جداگانه در کی‌یف، حمله موشکی روز پنجشنبه را «گامی تشدید کننده و تلاش پوتین برای ترساندن مردم

اوکراین و ترساندن مردم اروپا» خواند. لیپاوسکی در یک کنفرانس خبری با آندری سایبی‌ها، وزیر امور خارجه اوکراین، حمایت کامل خود را از تحویل سامانه‌های پدافند هوایی اضافی لازم برای محافظت از غیرنظامیان اوکراینی در برابر «حملات شنیع» ابراز کرد.

وی تأکید کرد که جمهوری چک هیچ محدودیتی برای استفاده از تسلیحات و تجهیزات که به اوکراین داده است اعمال نخواهد کرد.

سه قانون‌گذار از ورخونادا (پارلمان تک‌مجلسی اوکراین) تأیید کردند که جلسه روز جمعه که قبلاً برنامه‌ریزی شده بود، به دلیل تهدید مداوم موشک‌های روسیه به ساختمان‌های دولتی در مرکز کی‌یف لغو شد.

میکیتا پوتورایف، نماینده مجلس گفت: علاوه بر این، توصیه‌ای برای محدود کردن کار همه دفاتر تجاری و سازمان‌های غیردولتی «در آن محدوده و به ساکنان محلی در مورد افزایش تهدید هشدار داده شد»، وجود دارد. وی افزود این اولین بار نیست که چنین اقدامی انجام می‌شود. تهدید دریافت شده است. یک سخنگوی دفتر ولودیمیر زلنسکی به کار خود با رعایت اقدامات امنیتی استاندارد ادامه داد.

اداره اطلاعات اصلی اوکراین گفت: موشک اورشونیک که نام آن در روسی به معنی «درخت فندق» است، از میدان آزمایش موشک «کاپوستین یار چهارم» در منطقه آستاراخان روسیه شلیک شد و ۱۵ دقیقه قبل از حمله به دنیپرو پرواز کرد.

is.gd/Gmlc4E

جویش نیوز سیندیکیت / امین ایوب

تحركات ژئوپلیتیک عربستان



عربستان مدت هاست که خود را به عنوان یک بازیگر مرکزی در غرب آسیا با هدف تأثیرگذاری بر ثبات منطقه و ژئوپلیتیک جهانی قرار داده است. نشست ریاض در اوایل ماه جاری، جایی که محمد بن سلمان، ولیعهد آن به مسائل کلیدی پیش روی جهان اسلام پرداخت، این نقش را مورد توجه جدی تری قرار داد. با این حال، از آنجایی که پادشاهی به دنبال تنش های پیچیده ژئوپلیتیک است، مانند روابط در حال تحولش با ایران، انتقادش از اسرائیل و دخالت این کشور در درگیری های جاری مانند یمن، این سؤال مطرح می شود: آیا می توان به عربستان برای میانجی گری صلح پایدار اعتماد کرد، به ویژه وقتی چالش های داخلی و خارجی خود، از جمله سابقه حقوق بشر، همچنان برجسته است؟

در مرکز اجلاس ریاض، بحث درباره تشکیل کشور فلسطین و درگیری جاری با اسرائیل مطرح شد. بن سلمان در یک انحراف قابل توجه از مسیر دیپلماتیک قبلی خود، موضع قاطع تری اتخاذ و آشکارا اقدامات اسرائیل در غزه را محکوم و آن را به نسل کشی علیه فلسطینیان متهم کرد. وی بر لزوم تضمین جامعه بین الملل برای اطمینان از احترام اسرائیل به حاکمیت ایران تأکید کرد و این امر نشان دهنده تغییر بالقوه در موضع عربستان در قبال اسرائیل و حرکت به سمت روابط نزدیک تر با تهران است. به نظر می رسد که این موضع نشان دهنده دوری آشکار از مذاکرات قبلی با هدف عادی سازی روابط با اسرائیل است که در دولت اول دونالد ترامپ اولویت داشت. در حالی که عربستان علاقه خود را به به رسمیت شناختن اسرائیل در ازای تضمین های امنیتی و ثبات منطقه ای، به ویژه با توجه به نگرانی های مشترک در مورد ایران، ابراز کرده بود، لفاظی های پادشاهی در اجلاس ریاض نشان دهنده اختلافات روبه رشد در سیاست خارجی این کشور بود. این تغییر بسیار مهم است، به ویژه با توجه به اینکه نزدیک شدن عربستان به ایران در سال ۲۰۲۳ با میانجیگری چین، چشم انداز دیپلماتیک منطقه را تغییر داده است.

روابط روبه رشد عربستان با ایران، همراه با انتقادش از اسرائیل، نشان دهنده یک سیاست خارجی مستقل تر است که کمتر از دهه های اخیر به آمریکا متکی است. این امر نقش عربستان را به عنوان یک میانجی بالقوه صلح پیچیده تر می کند. در حالی که تلاش های ریاض برای تقویت دیپلماسی مانند تشویق گفت و گو بین ایران و متحدان منطقه ای اش، مورد استقبال برخی قرار گرفته است، توانایی آن برای میانجی گری بدون

انسانی که ایجاد کرده است، کانون انتقادات بین المللی بوده است. ده ها هزار نفر کشته و میلیون ها نفر دیگر آواره شده اند. ائتلاف به رهبری عربستان با اتهامات جنایات جنگی، از جمله حملات هوایی بی رویه که منجر به کشته شدن غیرنظامیان و هدف قرار دادن زیرساخت های حیاتی شده، مواجه شده که تصویر آن را به عنوان یک مروج صلح پیچیده تر کرده است.

این تضاد بین نقش عربستان به عنوان یک صلح ساز در صحنه جهانی و تاکتیک های سرکوبگرانه آن در داخل و مداخلات خارجی، این تردید را ایجاد می کند که آیا این پادشاهی یک بازیگر قابل اعتماد یا بی طرف در حل مناقشه است یا خیر.

لفاظی های اخیر عربستان، به ویژه در نشست ریاض، بر تمایل این کشور برای تغییر شکل نقش خود در منطقه تأکید دارد. با این حال، مهم است که در نظر بگیریم که آیا این تلاش ها ناشی از تعهد واقعی به صلح هستند یا اینکه بخشی از یک استراتژی ژئوپلیتیک گسترده تر محسوب می شوند. محکومیت اسرائیل توسط بن سلمان و درخواست او برای اقدام بین المللی برای حفاظت از حاکمیت ایران ممکن است منعکس کننده روابط روبه رشد ریاض با تهران باشد، اما می تواند به عنوان تلاشی برای تحکیم قدرت و نفوذ در یک منطقه ناآرام تلقی شود.

<https://B2n.ir/h86482>

جانب داری، به ویژه در مناقشه اسرائیل و فلسطین، یک سؤال باز باقی مانده است.

قابل اعتماد بودن عربستان به عنوان میانجی در مناقشات منطقه ای را باید از نظر چالش های داخلی و خارجی ارزیابی کرد. از یک سو، نفوذ ژئوپلیتیک عربستان، به ویژه تقویت شده توسط ثروت عظیم نفتی و موقعیت استراتژیک آن در خلیج فارس، آن را به بازیگری مهم در شکل دهی به نتایج منطقه تبدیل می کند. از سوی دیگر، مسائل مربوط به حکمرانی داخلی و حقوق بشر این کشور نگرانی هایی را در مورد توانایی آن در دفاع از صلح واقعی ایجاد می کند که رفاه مردم عادی، به ویژه کسانی که در مناطق درگیری زندگی می کنند، در اولویت قرار دارد.

در داخل، عربستان به دلیل سابقه حقوق بشر خود با انتقادهای مداوم روبرو بوده است. سرکوب مخالفان سیاسی توسط دولت، رفتارش با زنان و گروه های اقلیت و استفاده از اقدامات تند علیه فعالان و روزنامه نگاران، از جمله قتل جمال خاشقچی، خبرنگار واشنگتن پست در سال ۲۰۱۸، هم چنان موضوع اصلی اختلاف است. این مسائل باعث شده است که بسیاری پایبندی عربستان به حقوق بشر جهانی را زیر سؤال ببرند، به ویژه زمانی که سیاست خارجی این کشور اغلب بر اساس اولویت های عمل گرایانه و مستبدانه به نظر می رسد.

به عنوان مثال، جنگ در یمن که عربستان از سال ۲۰۱۵ رهبری آن را بر عهده دارد، به دلیل بحران



نشان دهنده شکل گرفتن «جبهه‌ای مشترک علیه آمریکا» است.

• رئیس پنتاگون مدعی شده است که حدود ۱۰ هزار نظامی ارتش کره شمالی به زودی به همراه ارتش روسیه وارد جنگ با اوکراین می‌شوند.

• در پی تشدید شکاف سیاسی میان دو خانواده قدرتمند سیاسی فیلیپین، سارا دوترته، معاون رئیس‌جمهور از ترور رئیس‌جمهور سخن گفت. وی صبح امروز در نشست خبری اعلام کرد که با یک قاتل هماهنگ کرده است تا در صورت ترور شدن خود فردیناند مارکوس، رئیس‌جمهور فیلیپین را به قتل برساند.

• اسحاق هرتزوغ، رئیس اسرائیل، در سخنرانی در کنفرانس آموزش عالی عنوان داشت: تمایل دارم به برخی از رخدادها کنونی که مرا بیشتر از حوادث دیگر نگران می‌کند، بپردازم. وی افزود: ما در میانه جنگ هستیم. ما بهایی با هزاران کشته و زخمی پرداخته‌ایم. ما بیش از ۸۰۰ سرباز از دست داده‌ایم. چه چیزی در این زمان رخ می‌دهد؟ رفتار اهانت‌آمیز و شرم‌آوری با خانواده‌های اسیران انجام می‌شود و رئیس شاباک و رئیس ستاد ارتش به خیانت و تلاش برای کودتا متهم می‌شوند. مشاور حقوقی کابینه به دشمنی متهم می‌شود و صبح تا شب او را تهدید به برکناری می‌کنند. به خانه نخست‌وزیر منور پرتاب می‌کنند و او به خیانت متهم می‌شود.

• شبکه ۱۲ اسرائیل گزارش داد که در یک نظرسنجی صورت گرفته در فلسطین اشغالی، بیش از نیمی از شرکت‌کنندگان با لزوم اتمام جنگ در جبهه لبنان موافقت کرده و یک چهارم آن‌ها نیز خواستار ادامه جنگ شده‌اند.

• وزارت خارجه عراق، امروز شبیه اعلام کرد که این کشور ستون ثبات در محیط منطقه‌ای و بین‌المللی به شمار می‌رود و از جمله کشورهایی است که به اصول منشور سازمان ملل متحد بیشترین تعهد را دارد. در بیانیه این وزارت‌خانه آمده است که پیام اسرائیل به شورای امنیت، بخشی از سیاست سیستماتیک آن برای ایجاد ادعا و بهانه‌تراشی با هدف گسترش دامنه‌دگریری در منطقه است. وزارت خارجه عراق تأکید کرد که توسل به شورای امنیت ناشی از تأکید این کشور بر ضرورت ایفای نقش این نهاد بین‌المللی در حفظ صلح و امنیت جهانی است.

• سخنگوی وزارت امور خارجه در پی حکم صادره علیه نتانیاهو و گالاتت گفت: از هر گامی برای تحقق عدالت و پایان دادن به بی‌کیفرمانی اسرائیل به خاطر ارتکاب نسل‌کشی، جنایات جنگی و جنایات علیه بشریت استقبال می‌کنیم.

• ناو هواپیمابر آبراهام لینکلن که اخیراً توسط نیروهای مسلح یمن هدف قرار گرفته بود، از منطقه پنجم ناوگان دریایی آمریکا به منطقه ناوگان هفتم نیروی دریایی این کشور رفت.

• بر اساس متمم چهاردهم قانون اساسی آمریکا، همه افرادی که در این کشور متولد می‌شوند یا تابعیت آن را دریافت می‌کنند و بنابراین در حوزه قضایی و حقوقی آن باشند، شهروند آمریکا و ایالتی اند که در آن ساکن هستند. بخش یک این متمم، استثنائات بسیار کمی دارد که بیشتر آن مربوط به فرزندان است که از مقامات دولتی خارجی در آمریکا متولد می‌شوند.

• سازمان مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران در گزارشی از صدها مورد نقض حقوق بشر شامل نقض حقوق زندانیان، آزادی بیان، حق تحصیل، حقوق کودک، خشونت‌های خانگی، خشونت مبتنی بر جنسیت، بهداشت و محیط زیست، حقوق کار و خشونت نظامی و قضایی از سوی جمهوری اسلامی در آبان ماه خبر داد.

• مقامات اروپایی در منطقه بالتیک در حال بررسی حادثه‌ای هستند که منجر به قطع دو کابل فیبر نوری شده است. این حادثه باعث ایجاد نگرانی‌های امنیتی شده و آلمان آن را «به‌وضوح یک خرابکاری» توصیف کرده است.

• خبرگزاری رویترز نوشت: آمریکا بر این باور است که روسیه در حمله روز پنجشنبه اول آذر به شهر دنیپرو در اوکراین، موشک بالستیک میان‌بردی را شلیک کرد که پیش از آن مورد استفاده قرار نگرفته بود.

• سازمان ملل متحد با اشاره به حکم صادر شده برای بازداشت بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل از سوی دیوان کیفری بین‌المللی، اعلام کرد که مقام‌های سازمان ملل برای ملاقات کاری با وی منعی ندارند.

• شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، با تصویب قطعنامه‌ای عدم همکاری حکومت ایران با این نهاد نظارت هسته‌ای سازمان ملل متحد و همچنین مخفی کاری در فعالیت‌های هسته‌ای جمهوری اسلامی را محکوم کرد.

• صدور حکم بازداشت نخست‌وزیر و وزیر دفاع پیشین اسرائیل از سوی قضات دیوان کیفری بین‌المللی در روز پنجشنبه اول آذر، با واکنش و مخالفت گسترده مقام‌ها و سیاستمداران آمریکا روبرو شد. رئیس‌جمهور آمریکا این حکم را «ظالمانه» دانست و گفت: «به صراحت می‌گویم بین اعمال اسرائیل و کردار حماس هیچ شباهتی وجود ندارد و دیوان بین‌المللی کیفری مقایسه درستی انجام نداده است. ما مثل همیشه در کنار اسرائیل هستیم و در برابر تهدیدات علیه امنیت، از این کشور دفاع خواهیم کرد.»

• نماینده آمریکا در آژانس بین‌المللی انرژی اتمی از مدیرکل آژانس به دلیل ارائه گزارشی راستی‌آزمایی و نظارت بر فعالیت‌های هسته‌ای جمهوری اسلامی که منجر به صدور قطعنامه بر علیه حکومت ایران شد، قدردانی کرد.

• نیروهای امنیتی آمریکا یک مرد اهل فلوریدا را به اتهام توطئه برای بمب‌گذاری در ساختمان بورس نیویورک بازداشت کردند. متهم که «هارون عبدالملک‌ینر» معرفی شده، برای جاسازی یک بمب در بیرون ساختمان بورس در منطقه منهتن نیویورک اقدام کرده است. مقام‌های فدرال آمریکا می‌گویند او یک بی‌خانمان است که به یک مأمور مخفی اف‌بی‌آی گفته بود: «احساس می‌کنم که (اسامه) بن لادن هستم.»

• نیکلاس مادورو، رئیس‌جمهور ونزوئلا، پس از دیدار با عزیز نصیرزاده، وزیر دفاع جمهوری اسلامی ایران و امضای توافق‌نامه‌هایی تازه، از آغاز مرحله‌ای جدید از «اتحاد قدرتمند» با ایران سخن گفت. وزیر دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح، به‌منظور شرکت در دهمین کمیسیون مشترک اقتصادی ایران و ونزوئلا، به کاراکاس سفر کرده است. مادورو پس از دیدار با نصیرزاده، بدون ارائه جزئیاتی درباره توافق‌های امضا شده، اعلام کرد که این نشست «فصلی جدید و مرحله‌ای تازه» از روابط بین دو کشور و

ایندپندنت / علیرضا کبانی

فصل تازه انقلاب ملی ایران

هستند که از سوی حاملان انقلاب ملی در ایران فریاد زده شده‌اند.

دست کم سه فایده آشکار را می‌توان از پس اعلام آمادگی وی برای رهبری انقلاب ملی ارزیابی کرد:

ایجاد یک رهبری واحد در اپوزیسیون: حضور رضا پهلوی به‌عنوان یک چهره شناخته‌شده و محبوب، قطعا می‌تواند به انسجام اپوزیسیون ایران گرا کمک نموده و آن‌ها را به‌رغم اختلاف سلیقه‌های سیاسی حول اصول ملی متحد کند. رضا پهلوی چهره‌ای است که گروه‌های مختلف ایران گرا از جمهوری خواه تا پادشاهی خواه به او و رهبری اش اعتماد لازم را دارند.

جلب پشتیبانی بین‌المللی: وی به دلیل ارتباطات گسترده با جامعه بین‌المللی و شناخته‌شده بودن برای کشورهای منطقه و غربی، می‌تواند حمایت بیشتری از قدرت‌های جهانی برای گذار از جمهوری اسلامی جلب کند. نکته‌ای که در استقبال بسیار گسترده‌ی افکار عمومی کشورهای عربی منطقه از پیام اخیر او با عنوان: «پیامی به دوستان ملت ایران در سراسر غرب آسیا» پیداست. این پیام صرفاً در حساب توییتری او بیش از ۱۵ میلیون بار دیده شد.

تقویت همبستگی ملی: حضور وی به‌عنوان یک نماد وحدت و اعلام آمادگی او برای کمک به فرایند گذار تا استقرار یک دولت ملی، می‌تواند بخش‌های مختلف ملت ایران را حول یک هدف مشترک، یعنی سرنگونی جمهوری اسلامی، بیش از پیش متحد نموده و آن‌ها را به‌فردایی مشخص و معلوم از پس سرنگونی جمهوری اسلامی بیشتر امیدوار کند.

جامعه ایران با بحران‌های متعدد اقتصادی، سیاسی و اجتماعی مواجه است. نارضایتی عمومی از جمهوری اسلامی به‌اوج خود رسیده است. این نارضایتی تا حدی است که حملات اسرائیل به نیروهای نیابتی و منافع جمهوری اسلامی با استقبال بخشی از جامعه مواجه می‌شود. در چنین شرایطی و با توجه به این واقعیت که جمهوری اسلامی مناسباتی اشغالگرانه با کشور و ملت ایران دارد، رضا پهلوی عمل‌در مقام حافظ منافع ملی کشور جلوه می‌کند. بر این اساس است که او با تاکید بر منافع مشترک ملت ایران با آمریکا در مسیر سرنگونی جمهوری اسلامی، تلاش دارد تا هم‌حیثیت ملی کشور را نگاه دارد و هم پشتیبانی بین‌المللی بیشتری را برای انقلاب ملی ایران جلب کند. ایجاد تعادل لازم بین این دو امر، هنری است که از چهره ملی و محبوب رضا پهلوی برمی‌آید.

ibit.ly/HJ-WY

حمایت کرده است. او اخیراً در وبسایت رسمی خود در پاسخ به این پرسش که: «برای پیروزی انقلاب اسلامی مشغول چه فعالیت‌هایی هستید؟»، با اشاره به لزوم «فشار حداکثری بر جمهوری اسلامی»، گفت: «فعالیت‌های من بر اساس یک استراتژی و برنامه دقیق و مدون است که پنج ستون اصلی دارد. این پنج ستون عبارتند از:

- حمایت حداکثری از مبارزات ملت ایران
- فشار حداکثری بر جمهوری اسلامی
- ریزش حداکثری از نظام
- سازماندهی و بسیج کردن ایرانیان خارج از کشور با هدف تاثیرگذاری بر افکار عمومی و سیاستمداران و سیاست‌گذاران محل زندگی‌شان
- ارائه چشم‌انداز سیاسی و اقتصادی برای دوره گذار و بازسازی ایران

به‌لحاظ استراتژیک نیز این فعالیت‌ها دو دسته هستند: «فعالیت‌هایی که تمرکزشان بر فاز کنونی، یعنی مبارزه تا زمان سرنگونی جمهوری اسلامی است و مواردی که بر استقرار یک دولت ملی و گذار به دموکراسی در فردای پیروزی متمرکزند.»

این در حالی است که وی در نهایت مرکز ثقل تحولات را در درون کشور می‌داند و فشار خارجی را ابزاری کمکی ارزیابی می‌کند. نکته‌ای که در این بخش از سخن او در وبسایت رسمی پیداست: «من در تمام ۴۵ سال گذشته همواره تاکید کرده‌ام که نیروی اصلی تغییر در ایران، نیرو و قدرت ملت است. ما در مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی روی مداخله هیچ نیرو و کشور خارجی حساب باز نکرده‌ایم و منتظر چراغ سبز کسی هم نمی‌مانیم. این را هم همیشه گفته‌ام که اگر کشورهای خارجی از ملت ایران و مبارزه‌شان برای سرنگونی این نظام حمایت کنند، هزینه تغییر را پایین آورده‌اند. با این نگرش است که من هرگز به دنبال تغییر نظام از طریق حمله یا لشکرکشی نظامی خارجی نبوده‌ام.»

اعلام آمادگی رضا پهلوی برای رهبری انقلاب ملی و اهمیت آن

رضا پهلوی، به‌عنوان برجسته‌ترین چهره اپوزیسیون جمهوری اسلامی، سال‌ها بر لزوم همبستگی ملی و گذار مسالمت‌آمیز از نظام تاکید داشته است. اما اعلام آمادگی آشکار اخیر او برای رهبری انقلاب ملی، بیانگر تغییر نگاه به سمت نقشی فعال تر و رهبری کننده است. صراحت موجود در بیان و کلام وی در مسئله رهبری انقلاب ملی، ناشی از صراحت در بیان شعارهای پهلوی گرایانه در ایران است. واقعیت این است که وی و اساساً خانواده پهلوی تنها نام‌های سیاسی

انتخاب دونالد ترامپ به ریاست جمهوری آمریکا، بار دیگر تحولات سیاسی مربوط به ایران را وارد مرحله‌ای تازه کرده و نگرانی جمهوری اسلامی را برانگیخته است. هم‌زمان، اعلام آمادگی علنی رضا پهلوی برای رهبری انقلاب ملی ایران نیز با استقبال قابل توجهی در فضای سیاسی مخالفان جمهوری اسلامی مواجه شده است. این دو رخداد، از یک سو نشان‌دهنده امیدواری بیشتر ملت ایران برای فروپاشی نظام اسلامی و برآمدن یک دولت ملی از پس آن و نیز تقویت محتمل همبستگی میان اپوزیسیون ایران گرای جمهوری اسلامی است و از طرف دیگر، نشان‌دهنده تشدید فشار بین‌المللی علیه ایران به رهبری آمریکا و متحدان منطقه‌ای اش.

تاثیر انتخاب ترامپ و بازگشت احتمالی سیاست «فشار حداکثری»

دونالد ترامپ، در دوران نخست ریاست جمهوری، با اتخاذ سیاست «فشار حداکثری» علیه جمهوری اسلامی، گام‌های موثری در تضعیف اقتصادی و سیاسی ایران برداشت. خروج از برجام، اعمال شدیدترین تحریم‌های تاریخ علیه جمهوری اسلامی و حمایت علنی از انقلاب ملی ایران، نمونه‌هایی از رویکرد تهاجمی ترامپ علیه این کشور بود. انتخاب دوباره چنین فردی به جایگاه ریاست جمهوری، این پیام را می‌دهد که دولت آمریکا احتمالاً بار دیگر قصد دارد فشارهای خود را بر جمهوری اسلامی افزایش دهد. این سیاست می‌تواند زمینه‌ساز تقویت روحیه مخالفان جمهوری و افزایش اعتراضات داخلی در ایران شود. به‌ویژه اگر به یاد بیاوریم که «فشار حداکثری» در دوره نخست ریاست جمهوری ترامپ مورد حمایت مخالفان نظام در درون کشور نیز بود.

با اینکه دولت ترامپ به صراحت هدف خود را تغییر نظام ایران اعلام نکرده بود، اما سیاست‌های او در قبال جمهوری اسلامی به‌گونه‌ای طراحی شده بودند که با اهداف مخالفان برانداز نظام هم‌راستا بود و توانست توجه و حمایت بخشی از مردم را جلب کند، تا جایی که برخی از چهره‌های «آکادمیک» جریان «اصلاح‌طلب» به محبوبیت ترامپ در میان مردم ایران اذعان کردند. ترامپ دشمن اصلی ملت ایران، یعنی جمهوری اسلامی را به صورت بی‌سابقه‌ای زیر ضرب اقتصادی برد، سردار سلیمانی را حذف کرد و بارها با صراحتی بی‌سابقه از «مردم ایران» حمایت نموده و اعلام کرده که مردم شایسته آزادی و حکومت دموکراتیک هستند.

حمایت رضا پهلوی از «فشار حداکثری بر جمهوری اسلامی»

رضا پهلوی نیز بارها از سیاست «فشار حداکثری»



رصد و ترجمه اندیشه‌های آمریکایی مختص مطالعه نخبگان



سوریان
مرکز مطالعات

Sourianc.com